

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

The image features a vertical rectangular frame with rounded corners and a double blue border. Inside the frame, the Basmala (Bismillah) is written in elegant black Arabic calligraphy. The text is positioned in the upper half of the frame. Below the main text, there is a faint, semi-transparent shadow of the same calligraphy. A thin vertical line extends from the bottom of the main text down to a small, intricate decorative flourish at the bottom center of the frame.

درسهایی از قرآن

کتاب آزمون نهایی

بیست و ششمین دوره مسابقه درسهایی از قرآن

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

تهیه و تنظیم:

محمد موحدی نژاد

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

درسهایی از قرآن

کتاب آزمون نهایی

بیست و ششمین دوره مسابقات درسهایی از قرآن

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

تهیه و تنظیم:	محمد موحدی نژاد
طراحی جلد:	مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی
نوبت چاپ:	زمستان ۱۳۹۶
شمارگان:	۹۰۰۰۰ نسخه



مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی

نشانی: تهران، خیابان فلسطین، کوچه شهید نائبی، شماره ۷

تلفن: ۶۶۹۵۵۵۱۵

کد پستی: ۱۴۱۶۸۴۴۳۱

فهرست مطالب

مقدمه	۹
درس اول : بهره‌گیری از فرصت عمر	
۱. توجه به کیفیت و محتوا	۱۳
۲. داشتن انگیزه و نیت الهی	۱۳
۳. پرهیز از معامله عمر با دنیا	۱۴
۴. پایداری و استقامت در تحصیل علم	۱۴
۵. توجه به کارهای پُر خیر و برکت	۱۴
درس دوم : شناخت ظرفیت گسترده انسان	
۱. هستی برای انسان	۱۵
۲- ظرفیت عقل و روح	۱۵
۳- توجه به کرامت و فضیلت الهی انسان	۱۶
۴- استفاده صحیح از فرصت‌های تلخ و شیرین	۱۶
۵- نقش ایمان	۱۶
۶- داشتن انگیزه الهی	۱۷
۷- بالا بردن سطح اطلاعات	۱۷
درس سوم : اخلاق کارگزاران در نظام اسلامی	
یادآوری‌ها!	۱۸
اخلاق کارگزاران؛	۱۸
۱. توبیخ برای مقابله نکردن با آشکار	۱۸
۲. برخورد مناسب با نیکوکار و بدکار	۱۹
۳. توجه مسؤولان به خدمات و زحمات	۲۰
درس چهارم: مقاوم سازی در برابر خطرات و تهدیده	
۱- مقاوم سازی ساختمان‌ها	۲۱

- ۲- پیشگیری از انتشار اخبار نادرست..... ۲۱
- ۳- پیشگیری از تفرقه و خطرات آن..... ۲۲
- ۴- هوشیاری در مقابل جاسوسی دشمنان..... ۲۳
- ۵- استفاده از ایام فراغت..... ۲۴
- ۶- هوشیاری و مقابله با برنامه‌های دشمن..... ۲۴
- ۷- شیوه برخورد با مخالفان..... ۲۵

درس پنجم: شخصیت و جایگاه امام حسین و اربعین

- ۱- راز و رمز عدد اربعین (چهلیم)..... ۲۶
- ۲- جایگاهی، فوق مکان، زمان و مذهب..... ۲۶
- ۳- شخصیت جابر..... ۲۷

درس ششم: پیامبر و امامان معصوم و وظائف ما در برابر آنها

- ۱- شناخت، ایمان و اطاعت..... ۲۹
- ۲- پرداخت خمس و زکات..... ۳۰
- ۳- ویژگی یاران رسول خدا..... ۳۰
- ۴- رعایت ادب و احترام و تواضع..... ۳۱
- ۵- عهد و پیمان، برای یاری کردن..... ۳۲

درس هفتم: پاداش الهی و افزایش ظرفیت انسان

- ۱- سختی بیش‌تر، پاداش بیش‌تر..... ۳۳
- ۲- اخلاص و معامله با خدا، سودی ماندگار..... ۳۳
- ۳- بالا رفتن ظرفیت انسان با دعا..... ۳۴
- ۴- گسترده کردن نیت..... ۳۵
- ۵- نماز، عامل رشد..... ۳۵
- ۶- تلاش برای کسب علم و دانش مفید..... ۳۵

درس هشتم: مقایسه داشته‌ها و نداشته‌ها

- ۱- هدف‌ها مهم است..... ۳۷
- ۲- توجه به معلولان و حمایت از آنها..... ۳۷
- ۳- رابطه مشکلات، پاداش و جزا با عدل خدا..... ۳۸
- ۴- بهره‌برداری مناسب از شرایط سخت و سنگین..... ۳۹

درس نهم: ارزش علم و ظرفیت انسان

- ۱- ارزش علم..... ۴۰

- ۲- گستره فراگیری علم و دانش ۴۱
- ۳- بهره‌گیری بهتر از امکانات موجود ۴۱
- ۴- بهره‌گیری از همه ظرفیت و توان ۴۱
- ۵- مدیریت بهره‌برداری از منابع خدادادی ۴۲
- ۶- پرهیز از شهرت طلبی ۴۳

درس دهم : توجه به ارزش علم و علم آموزی (۱)

- ۱- معلّمی، عبادت است ۴۴
- ۲- نقش آموزش در پیشرفت بشر ۴۴
- ۳- اهمیت تربیت در کنار تعلیم ۴۵

درس یازدهم: نشانه‌های مؤمن و کافر واقعی

- ۱- کار در جهت حقّ و برای خدا ۴۶
- ۲- آمادگی برای هجرت ۴۶
- ۳- آموزش رفتارهای دینی به فرزندان ۴۷
- ۴- تبعیض در احکام، نشانه عدم ایمان واقعی ۴۸

درس دوازدهم: توجه به ارزش علم و علم آموزی (۲)

- ۱- همراهی مردان خدا و علمای ربّانی ۴۹
- ۲- تلاش از ما، توفیق از خدا ۵۰
- ۳- مردمی بودن ۵۰

درس سیزدهم : برکات انقلاب اسلامی (۱)

- ۱- عزت و نفوذ ناپذیری ۵۱
- ۲- حاکم شدن فقیه عادل ۵۱
- ۳- توسعه مراکز علمی و دانشگاه‌ها ۵۲
- ۴- صدور فرهنگ انقلاب ۵۲
- ۵- اخلاص و انگیزه الهی ۵۳
- ۶- سیاست، برگرفته از دین و قرآن ۵۳

درس چهاردهم: هویت داشتن و بی‌هویتی

- ۱- ارزش انسان ۵۴
- ۲- توجه به نوع سود و زیان ۵۴
- ۳- توجه به جایگاه انسان در نظام هستی ۵۵
- ۴- برابری زن و مرد در کسب کمالات ۵۵

- ۵- هویت مرز اطاعت ۵۶
- درس پانزدهم: برکات انقلاب اسلامی (۲)**
- ۱- استقلال و آزادی ۵۷
- ۲- حفظ دین و توجه به دستورات آن ۵۷
- ۳- توجه به ارزشها ۵۸
- ۴- تسلیم بودن در مقابل احکام اسلام ۵۸
- ۵- غلبه منطق اسلام بر دیگر مکاتب ۵۹
- درس شانزدهم: شناخت ظرفیت‌های انسان**
- ۱- عمر، سلامتی و نشاط ۶۰
- ۲- توجه به پاداش و جبران خداوند ۶۱
- ۴- پرهیز از هدر دادن سرمایه و ظرفیت‌ها ۶۲
- ۵- توجه به ایده و نقشه‌های دشمنان ۶۳
- درس هفدهم: شیوه‌ها و نیازهای تربیت صحیح (۱)**
- ۱- استمداد از خدا ۶۴
- ۲- نقش لقمه حلال ۶۴
- ۳- تکیه بر منابع دینی و اطلاعات صحیح ۶۵
- ۴- داشتن محبوبیت ۶۵
- ۵- عامل بودن ۶۶
- ۶- بیان نمونه‌ها ۶۷
- درس هیجدهم: شیوه‌ها و نیازهای تربیت صحیح (۲)**
- ۱- کمک گرفتن از دیگران ۶۸
- ۲- گوش شنوا و پند پذیری ۶۸
- ۳- ساده و روان گویی ۶۹
- ۴- دقت در پاسخگویی ۷۰
- ۵- استفاده از تکرار ۷۰
- ۶- استقامت و پایداری ۷۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ
يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء، ۹)

مقدمه

خداوند در کنار نور فطرت و عقل، نور قرآن را برای انسان‌ها قرار داده است، نوری که برای بشریت روشنگری می‌نماید، و پنهانی‌ها را نمایان می‌کند و حقایق را آشکار و اباطیل را بر کنار و شبهه‌ها را بر طرف می‌گرداند و به بیراهه رفتگان را راهنمایی می‌کند و آنها را به راه هدایت را در پیش گرفته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید.

قرآن، کتابی است که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» نه اکنون و نه در آینده، باطل در آن راه نخواهد یافت و حقایق آن را دگرگون نخواهد ساخت» (فصلت، ۴۲). کتابی است که شب قدر به سبب نزول آن، عظمت یافت. «انا انزلناه في ليلة القدر». (قدر، ۱)

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«این قرآن نور روشن، ریسمان محکم فضیلت بزرگ و مرتبه بلندی است و مایه شفا و سعادت است. هر کس از قرآن روشنایی طلب نماید خداوند او را منور فرماید و اگر آموزش را به آن وا گذارد خداوند او را حفظ کند و هر کس به قرآن توسل جوید خداوند نجاتش بخشد و هر کس ملازم قرآن شود بلند مرتبه گردد و هر کس که از آن طلب شفا کند خداوند او را شفا دهد و کسی که آن را مقدم بر هر چیزی بدارد خداوند او را هدایت کند و هر که از غیر قرآن هدایت طلبد او را به حالت گمراهی وا گذارد و کسی که با آن انس و الفت داشته باشد خداوند او را به سعادت

می‌رساند و کسی که آن را پیشوا و مقتدا و محل اعتماد خود در رجوع کردن به آن قرار دهد او را در بهشت جای داده و زندگی سالم و با آرامشی ر ابرایش مهیا می‌سازد».

پس، بر ماست که مشعل فروزان الهی را، بر قلب و روح تاریکمان، بتابانیم و زندگیمان با نور و شمیم قرآن منور و عطر آگین سازیم. لذا با این نگاه و با تبعیت از کلام پر نور مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) که می‌فرمایند: «اشاعه و ترویج فرهنگ قرآنی، سنگین‌ترین مسئولیت نظام اسلامی است» برنامه تلویزیونی درسهایی از قرآن با کلام شیوا و جذاب حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد قرائتی توانسته است علاوه بر توده مردم و خانواده‌ها، دانش آموزان را با خود همراه و همدل نماید. در این راستا مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی تلاش نموده است با همکاری و مشارکت آموزش و پرورش زمینه حضور مستمر و فعال دانش آموزان را در مسابقه هفتگی درسهایی از قرآن فراهم نماید.

این مؤسسه در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در بیست و ششمین دوره مسابقات درسهایی از قرآن اقدام به تهیه و تدوین و چاپ این دوره نموده است تا دانش آموزان عزیز و کوشا با مطالعه آن حضور چشم‌گیری در آزمون نهایی مسابقه داشته باشند تا بیشتر با قرآن و مفاهیم آن آشنا و مانوس باشند.

در پایان از همکاری مسئولین آموزش و پرورش به ویژه مروّجان، مدیران و دست اندرکاران مسابقه درسهایی از قرآن استان و شهرستان‌ها و نیز از اداره کل قرآن، عترت و نماز وزارت آموزش و پرورش که کمال همکاری و مساعدت را داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌گردد.

مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی

باسمه تعالی درسهایی از قرآن

توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه‌ی اسلامی به ویژه در بین فرهنگیان، پیش‌تازان عرصه‌ی علم و ادب همواره از برنامه‌های اصلی و مهم فعالان و دلسوزان نظام تعلیم و تربیت کشور بوده است، به منظور ایجاد زمینه تدبر در آیات قرآن و آموزش مهارت‌های اجتماعی در زندگی با استفاده از منبع علم و حکمت لایزال الهی در بین اقشار مختلف جامعه به خصوص جوانان و نوجوانان مؤسسه فرهنگی درسهایی از قرآن در این مسیر نقش بی‌بدیلی را ایفا کرده است. در این بین شایسته است به حق از تلاش‌های دانشمند فرزانه جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای قرائتی مروج برنامه‌ی وزین درسهایی از قرآن یاد نمود، عزیزی که عمر پربرکت خود را در راه اعتلای قرآن و معارف کلام الهی و انتقال آن به شیفتگان قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام سپری نموده است، بدون شک باید اذعان نمود، یکی از برنامه‌های موفق و تأثیرگذار در بخش تبلیغ و ترویج رسانه‌ی ملی، «درسهایی از قرآن» می‌باشد که مخاطبان زیادی را از همه‌ی قشرهای جامعه به خود جذب نموده است، کلام بلیغ و شیوای استاد در ارائه آموزه‌های قرآن کریم، اثر

بخشی مضاعف را به دنبال داشته است،

مشتاقان کلام وحی در نظام تعلیم و تربیت همکاران عزیز فرهنگی به عنوان مخاطبان خاص و همیشگی سهم عمده‌ای را در تشویق و ترغیب دانش آموزان به شرکت فعال در برنامه درسهایی از قرآن داشته‌اند، بی‌تردید یکی از با اهمیت‌ترین فعالیت‌هایی است که با همکاری اداره کل قرآن عترت و نماز در ساحت اعتقادی و مذهبی در مدارس کشور اجرا شده است و به اذعان همگان مفید و مؤثر بوده است. امید است با تلاش‌های جهادگونه پیشتازان سنگر علم و معرفت شاهد تعمیم و فراگیری بیشتر فعالیت‌های حوزه قرآن، عترت و نماز در مدارس کشور باشیم،

در همین جا مناسب است از تلاش‌های ارزنده‌ی همکاران بزرگوار در مؤسسه‌ی گرانددر ترویج و فرهنگ قرآنی خصوصاً حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای موحدی نژاد تشکر و قدردانی نمایم، مؤید درگاه حق تعالی باشید.

محمد رضا مسیب زاده

مدیرکل قرآن، عترت و نماز



درس اول :

بهره‌گیری از فرصت عمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الهی اُنطقنی بالهدی و الهمنی التَّقوی»

۱. توجه به کیفیت و محتوا

ارزش اعمال ما بستگی به نیت و کیفیت آن دارد. مثال: با خاک یکی خشت، دیگری آجر و یکی سفال و دیگری سرامیک می‌سازد. اما خداوند، از خاک هزاران رقم میوه خلق می‌کند؛ یکی ترش ترش، مثل لیمو ترش، دیگری شیرین شیرین، مثل توت و خرما و دیگری ترش و شیرین، مثل آনার و پرتقال. مثلاً: ما صد رقم انگور داریم. مثال دیگر: ما از الفبا، چه متن‌هایی تهیه می‌کنیم؟ خداوند هم از الفبا قرآن را نازل فرموده که معجزه تارخ بشریت است.

۲. داشتن انگیزه و نیت الهی

بهترین راه اصلاح انگیزه و نیت، توجه به خدا، شناخت و معرفت درست نسبت به ماهیت و حقیقت دنیا و آخرت است. مثلاً: قرآن چند واژه نسبت به دنیا دارد که قابل توجه است ؛
الف: «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ»، (نساء/۷۷) دنیا چیزی نیست. (کم است و چیزی نیست که قابل توجه باشد).
ب: «زَهْرَةٌ الدُّنْيَا»، (طه/۱۳۱). «زهره» یعنی: دنیا غنچه است و برای هیچکس گل نمی‌شود.
ج: «عَرَضُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، (نساء/۹۴). دنیا عارضی و ناپایدار است. مثل عطر است، می‌پرد.

حدیث داریم: «ما كان لله ينموا» ، اگر کارها با نیت رضایت خدا

باشد، رشد هم می‌کند.

۳. پرهیز از معامله عمر با دنیا

اگر ما با سپری کردن عمر، در نتیجه و نهایت صاحب یک خانه شدیم و در راه رشد ایمان اخلاق و معنویت تکاملی نداشتیم. مصداق این آیه می‌شویم که خداوند می‌فرماید: «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»، (عصر، ۲)، قسم به عصر، (فشرده و خلاصه عمر)، که انسان در زیان است.

حال! شرایط بهترین کار در جامعه چیست؟ الف: بتواند مشکل زندگی را حل کند. ب: مشکلی را از جامعه را حل کند. ج: ذوق و انگیزه‌اش باشد. د: استاد مهارت آموز آن کار هم وجود داشته باشد.

ع. پایداری و استقامت در تحصیل علم

ما در راه تحصیل علم، واژه و کلمه‌ای به نام «فارغ التحصیل» نداریم. هیچوقت انسان از تحصیل فارغ نمی‌شود. چون خداوند به پیامبرش هم می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴). وقتی خداوند به پیامبر اسلام ﷺ و حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: شما فارغ التحصیل نیستید. تکلیف ما روشن است.

مثلاً: ما حدود دوازده میلیون مدرسه‌ای و پنج میلیون دانشجو تابستان تعطیل و عمرشان تلف می‌شود.

۵. توجه به کارهای پُر خیر و برکت

توجه به کارهای پُر خیر و برکت باعث می‌شود که از فرصت عمر، بیشتر استفاده شود. لذا پیشنهاد می‌شود به افرادی که توان مالی دارند، دانش‌آموزان مستعد و باهوشی را که قدرت مالی برای ادامه تحصیل ندارند، شناسایی و به آن‌ها کمک کنند تا به درجات بالای تحصیلی برسند. وقف هم باعث برکت و ماندگاری در اموال انسان است.

درس دوم :

شناخت ظرفیت گسترده انسان

۱. هستی برای انسان

ظرفیت خدادادی انسان زیاد و قابلیت برای گسترش هم دارد. به دلیل اینکه قرآن می‌فرماید: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴). یعنی: خدایا! قبل از اینکه می‌خواهی علمم را زیاد گردانی، ظرفیت خودم برای دریافت آن زیاد شود. لذا می‌فرماید: «زدنی»، یعنی: اول خودم ظرفیت پیدا کنم.

اینکه واژه «سَخَّرَ لَكُمْ» در آیات قرآن زیاد تکرار شده، یعنی: امکانات و شرایطی در اختیار انسان قرار داده شده است. ابر و باد و مه و خورشید برای استفاده انسان است. اما جای تأسف است که انسان به درستی از آن همه نعمت‌ها و امکانات خوب استفاده نمی‌کند. چون در آیه دیگر می‌فرماید: «و اگر (بخواهید) نعمت خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را به دقت شماره کنید همانا انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است.» (ابراهیم/۳۴)

۲- ظرفیت عقل و روح

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از اصحابش به نام «کمیل» فرموده است: «ای کمیل! این دل‌های ما ظرف است و بهترین آن‌ها با ظرفیت‌ترین آن‌ها است.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷).

آری! اگر توجه و معرفت داشته باشیم، اندکی گوگرد اگر مدیریت شود، تا خدا پیش می‌رود. چون این گوگرد تبدیل به کبریت شده و چراغ گاز را روشن کرده، غذایی آماده شده، انسانی خورده و انرژی پیدا کرده و خدا را عبادت می‌کند. غذا وصل به انسان می‌شود و انسان وصل به خدا می‌شود. یعنی گوگرد تا خدا پیش رفت. چون

مدیریت شد. انسان بیش از لیسانس و فوق لیسانس و دکترا و...، ارزش دارد. چون قرآن می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»، (بقره/۳۱). یعنی: ظرفیت علمی انسان هم بی نهایت است.

۳- توجه به کرامت و فضیلت الهی انسان

انسان باید توجه داشته باشد که خلیفه خداوند در زمین است. (بقره/۳۰) خداوند انسان را کرامت داده است. (اسراء/۷۰) خلقت انسان بهترین است. و خداوند از روح خود در انسان دمیده است. آری! انسان ظرفیت دارد که به بالاترین درجه معنوی برسد؛ «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (نجم/۹).

۴- استفاده صحیح از فرصت‌های تلخ و شیرین

استفاده بهینه از فرصت‌ها، چه تلخ و چه شیرین، بستگی به جوهر انسان، خواست و تلاش و کوشش او دارد. به گفته قرآن ما در طبیعت، هم دریای شیرین داریم و هم شور. و در هر دو گوشت تازه (ماهی) و هم مروارید هست. تا غواص که باشد. تا بتواند از هر دو استفاده کند. (فاطر/۱۲).

حاج احمد آقا خمینی (ره) می‌گفت: امام علیه السلام در تبعید و در ترکیه با محدودیت زیاد دو جد کتاب مهم فقهی به نام «تحریرالوسیله» را نوشت. کتاب‌های امام خمینی علیه السلام حدود دویست عدد بود. حسینی‌های جماران هم ساده و از گچ و خاک بود، اما دنیا را تکان داد. آری! او جوهر کار، حرکت و تلاش داشت.

۵- نقش ایمان

ایمان داشتن به معنای آن است که ما ضعیف هستیم و اگر متصل به خدای بزرگ شدیم مثل قطره‌ای وصل به اقیانوس می‌شویم. داستان قرآنی: ساحران، در زمان فرعون، وصل به فرعون و پول و سکه که شدند حاضر شدند در مقابل راه بر حق حضرت موسی علیه السلام

ایستاده و با جادو مسیر را برای مردم منحرف کنند. اما زمانی که حَقَانِیَّت آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ را درک کرده و به خدا ایمان آوردند دل از دنیا بریده و در مقابل تمام تهدیدهای فرعون ایستادند. (شعر/۴۱ و ۴۲)

۶- داشتن انگیزه الهی

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»، (دعائم الاسلام / ج ۱/ص ۴) ارزش هر کارها به نیت‌های پاک است.

مثال: لیوان آبی را به سه نفر می‌دهیم، یکی چون قهر است، نمی‌خورد. دیگری چون تشنه نیست، نمی‌گیرد. و سومی می‌گوید: چون چهارمی تشنه‌تر است، من نمی‌خورم. کار سومی ارزش دارد چون ایثار می‌کند.

۷- بالا بردن سطح اطلاعات

قرآن در آیات زیادی می‌فرماید: همه هستی خدا را تسبیح می‌کند. «كُلُّ لُهُ قَانِتُونَ»، (بقره/۱۱۶) پس انسان چرا از همه مخلوقات عقب بیافتد و نافرمانی کند. اگر انسان با داشتن اطلاعات روحی بزرگ پیدا کرد، از کنار مشکلات زندگی هم به راحتی عبور می‌کند.

چرا حضرت زینب کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ با اینکه آن همه مصیبت می‌بیند، می‌فرماید: «ما رأیت الا جمیلا»، به جز زیبایی ندیدم. چون به این مسئله ایمان و اعتقاد دارد که در راه انجام وظیفه الهی است. **مثال:** بچه از شیرینی، بستنی و حلوا استقبال می‌کند، اما پدر زحمت کشیده پول به دست آورده و لفل، پیاز و ترشی هم می‌خرد. لذا حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از خدا می‌خواهد که؛ «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه/۲۵). یعنی؛ خدایا! به من، سینه‌ای باز و روحی بزرگ، عطا فرما.

مثال: سعه صدر و روح بزرگ، مثل لاستیک بزرگ تراکتور است. از موج‌ها و موانع رد می‌شود و روح کوچک مثل لاستیک دوچرخه است. ناتوان است و زود خراب می‌شود.

درس سوم :

اخلاق کارگزاران در نظام اسلامی

یادآوری‌ها:

الف: قسمت‌های کتاب نهج‌البلاغه

کتاب نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، (که توسط سید رضی رحمته الله علیه جمع آوری شده است)، حاوی چند قسمت است؛ بیشتر اصول عقاید، (توحید و نبوت و معاد)، است و بعد، ۷۷ نامه و در قسمت آخر، کلمات قصار، موعظه و نصیحت است.

ب: جایگاه بالای کمیل در میان یاران امام علی علیه السلام

یک روز امیرمؤمنان علی علیه السلام به کاتب خود، ابی رافع، فرمود: ده نفر از افرادی که مورد وثوق و حافظ اسرار هستند را دعوت کن، من با آن‌ها مطالب خصوصی دارم. یکی از آن ده نفر، کمیل بود. اکثر عالمان اهل سنت هم از کمیل به نیکی یاد کرده‌اند. مثلاً ابن سعد (۱۲۰۰ سال قبل)، می‌گوید: کمیل مردی شریف و در خاندان و قبیله خود فرمانروا بود.

اخلاق کارگزاران:

حضرت علی علیه السلام نامه‌ای (نهج‌البلاغه، نامه ۶۱) به کمیل (که از طرف آن حضرت فرماندار منطقه‌ای بود)، می‌نویسد که در بعضی از جملات و فرازهای آن هم او را نسبت به بعضی از نقطه ضعف‌ها و اشتباهات تذکر داده و یا توبیخ کرده و بدون تعارف مطالبی را بیان فرموده است.

۱. توبیخ برای مقابله نکردن با آشزار

می‌فرماید: این دلیل بر عجز و ناتوانی یک فرمانروا و والی است

که نتواند از مردم خود دفاع کرده و شرّ آشرا را از آن‌ها دور نماید. و این بی لیاقتی از همین زمان حاضر، مشخص است و نیازی به گذر زمان ندارد. چون دیدبانان در زمان حکومت و فرمانروایی تو در پست خود حاضر نبودند تا مانع آن‌ها شوند. بلکه ولایت تو پلی شد برای عبور آن‌ها. این دلیل بر عدم قدرت و هیبت والی و حاکم است. چون نتوانستی سدی در مقابل شرارت آن‌ها باشی.

خاطره از آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)؛

در زمان اول انقلاب ایشان به امام خمینی علیه السلام پیام داد که؛ برای ثبات نظام جمهوری اسلامی و برقراری قانون، با خلافتکار، قاطع برخورد شود. حتی اگر یک قاضی دادگاه هم خلاف کرد، طبق قانون او را شلاق بزنید.

۲. برخورد مناسب با نیکوکار و بدکار

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: نیکوکار و خلافتکار نزد تو یکسان نباشند. کسانی که کارهای نیک انجام داده‌اند را تشویق کن. مثلاً؛ اگر برای مدرک نمره‌ای می‌دهیم برای لیاقت هم امتیازی قایل شویم.

خاطره‌ای از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

در جلسه‌ای، خانمی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد. آن حضرت از او احترام کرده و متکا و پستی کمرش را به آن خانم داد. بعد از لحظاتی برادر آن خانم به همین جلسه وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او اعتنایی نکرد. مردم علت این دو نوع برخورد با برادر و خواهر را سؤال کردند؟ فرمود: این دو خواهر و برادر رضاعی هستند. (یعنی؛ از یک مادر شیر خورده‌اند.) اما این خواهر به پدر و مادرش احترام گذارده و برادرش اینچنین نیست.

۳. توجه مسؤلان به خدمات و زحمات

حضرت می‌فرماید: تعریف مردم را بکن. و برای آنها که مشکلات خاصی دارند، بیشتر سفارش کن.

قرآن هم می‌فرماید: «خداوند، جهادگران با اموال و جانشان را بر وانشستگان (از جنگ) به درجه‌ای برتری داده است» (نساء/۹۵)

بعد آن حضرت علیه السلام می‌فرماید: باید از ریز و درشت کارها اطلاع داشته باشی. که کارمندان شما چه مشکلاتی دارند. برای آنها پرونده داشته باش. مثلاً: بدانی فلانی کجا و چه شیرین کاری کرده و یا چه مشکلی دارد.

البته داشتن این اطلاعات در جهت تشوق و قدردانی‌های ظاهری است. که ما لطف و محبت خداوند و تشویق‌های معنوی هم داریم.

خاطره‌ای از معلول و کودک استثنایی

یکی از کارمندان و مربیان معلولان در سازمان استثنایی می‌گفت: کارهای یکی از معلولان که شرایط سختی هم داشت به عهده من بود. یکروز بعد از اینکه او را تمیز کرده و کارهایش را انجام دادم، آهی کشید و گفت: خانم! شما خیلی برای من زحمت می‌کشید. انشاءالله در عوض این زحمات، کربلا بروید. که چند روز بعد به شکل غیر منتظره‌ای توسط یک نیکوکار این کارمند و مربی به کربلا سفر می‌کند.

بعد می‌فرماید: پس اگر تو نیکوکارها تشویق نکنی، بدکارها تشویق می‌شوند. و این باعث می‌شود که نیکوکارها از کارها کم بگذارند. پس نیکوکار را در مقابل خلافکار تشویق کن تا او هم متنبه و بیدار شود.

اگر مخالفین شما هم عیوب و نقاط ضعف را می‌گویند، همان‌ها را اصلاح کن. آری! اگر نیکوکاران را ستایش کردی، آنها به کار نیک خود شجاع شده و این کار، افراد کم کار را تکان می‌دهد.

درس چهارم:

مقاوم سازی در برابر خطرات و تهدیدها

۱- مقاوم سازی ساختمان‌ها

امروزه بحثی مطرح است به نام پدافند غیر عامل. یعنی؛ مقاوم سازی در همه امور و پیشگیری از مشکلات و خطراتی که ما را تهدید می‌کند. یکی از آن امور، مقاوم‌سازیِ ساختمان‌ها است. قرآن در این باره از ساختمان سازیِ شخصی به نام «ذوالقرنین» چنین می‌فرماید:

«(آن مردم) گفتند: ای ذوالقرنین! همانا (قوم) یأجوج و مأجوج در این سرزمین فساد می‌کنند، آیا ما برای تو خرج و هزینه‌ای قرار دهیم تا میان ما و آنان سدّی ایجاد کنی (تا از شرشان ایمن شویم)؟ (ذوالقرنین در پاسخ) گفت: پاره‌های آهن برای من بیابورید. (پس از ساختن این دیوار آهنی، یأجوج و مأجوج) نتوانستند از آن بالا روند و در آن رخنه‌ای پدید آورند.» (با استفاده از سوره کهف، آیه ۹۴ تا ۹۷)

حدیث داریم؛ پیامبر عزیز اسلام ﷺ در حالی که برای احترام و اهمیت دادن، یکی از اصحاب و یاران خود را دفن می‌کرد. کاملاً هم محکم کاری می‌کرد. گفتند: یا رسول الله! او که مرده است، محکم کاری ضرورت ندارد. حضرت ﷺ فرمود: خدا دوست دارد هرکس کارش را مقاوم سازی کند. یعنی؛ در دفن مرده هم نباید سست کاری کرد. اما امروزه برای خانه‌های سست می‌گویند: این‌ها بساز و بفروش است. مقاوم نشده است.

۲- پیشگیری از انتشار اخبار نادرست

صحیح نیست که تا اخباری، هنوز تأیید نشده پخش شود. قرآن می‌فرماید: «هنگامی که خبری (و شایعه‌ای) از ایمنی یا ترس

(پیروزی یا شکست) به آنان (منافقان) برسد، آن را فاش ساخته و پخش می‌کنند، در حالی که اگر آن را (پیش از نشر) به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، قطعاً آنان که اهل درک و فهم و استنباطند، حقیقت آن را در می‌یابند. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به جز اندکی، پیروی از شیطان می‌کردید.» (نساء/۸۳).

آری! نشر و پخش اخبار محرمانه و شایعات همیشه به مسلمانان ضربه زده است. نشر اخبار سری معمولاً از روی سادگی، انتقام، ضربه زدن، آلت دست شدن، طمع مادی، خودنمایی و اظهار اطلاعات صورت می‌گیرد. اسلام به خاطر جامعیتی که دارد، به این مسأله پرداخته و در این آیه از افشای رازهای نظامی نکوهش می‌کند و نقل اخبار پیروزی یا شکست را پیش از عرضه به پیشوایان، عامل غرور نابجا یا وحشت بی‌مورد از دشمن می‌داند. و اگر هشدارها و عنایت‌های الهی نبود، مسلمانان بیشتر در این مسیر شیطانی (افشای سر) قرار می‌گرفتند.

۳- پیشگیری از تفرقه و خطرات آن

به قطع و یقین با تفرقه، دشمنان در بین ما نفوذ می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «وهمگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید هدایت شوید.» (آل عمران/۱۰۳).

پس وحدت و دوری از تفرقه، یک وظیفه‌ی الهی است ولی محور وحدت باید دین خدا باشد، نه نژاد، زبان، ملیت و ...

داستان حضرت موسی علیه السلام و گوساله سامری؛

حضرت موسی علیه السلام بعد از مأموریت الهی و بعد از چهل شبانه روز که از کوه طور برگشت، دید شخصی به نام «سامری» با استفاده از هنرش، مجسمه به شکل گوساله و از طلا ساخته است. زمانی که باد می‌آید صدا می‌کند. به مردم گفت: «هَذَا إِلَهُكُمْ» (طه/۸۸)، این خدای شما است. مردم هم به سراغ گوساله‌پرستی رفته‌اند. آنگاه آن حضرت زلف برادرش (هارون) را گرفت و کشید و خطاب به او گفت: چرا از بت‌پرستی مردم جلوگیری نکردی؟ (اعراف/۱۵۰)، هارون در جواب آن حضرت گفت: (ای برادر و) ای فرزند مادرم! (موسی) ریش و سر مرا (به مؤاخذه) مگیر، همانا من ترسیدم (با برخورد تند من، آنها متفرق شوند و) تو بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و کلام مرا مراقبت نکردی! (طه/۹۴)

یعنی؛ تشخیص دادم گرچه عده‌ای از مردم گوساله پرست می‌شوند اما متحد باشند، بهتر است.

۴- هوشیاری در مقابل جاسوسی دشمنان

همانطور که اطلاع دارید لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ به دست تعدادی از جوانان مؤمن و انقلابی و پیرو خط امام و با نظر موافق امام، تسخیر شد. قرآن می‌فرماید: «اوست آن که کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند برای اولین بار از خانه‌هایشان بیرون راند، با آنکه شما گمان نداشتید که آنان (با داشتن آن همه قدرت، به آسانی) بیرون روند و خودشان گمان می‌کردند که قلعه‌ها و حصارهایشان آنان را از قهر خدا مانع خواهد شد، اما قهر خدا از جایی که گمان نمی‌کردند بر آنان وارد شد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند (به گونه‌ای که) خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان خراب می‌کردند، پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید.» (حشر/۲)

۵- استفاده از ایام فراغت

باید در جهت مقاوم سازی در ابعاد مختلف از ایام فراغت هم استفاده کرد. قرآن در باره قوم قریش می‌فرماید: (برای الفت دادن قریش، الفت آنان در سفرهای زمستانی و تابستانی). (قریش/ ۱ و ۲).

از اینکه قوم قریش ۱۴۰۰ سال پیش، در تابستان‌های گرم و سخت به مناطق سردسیر کوچ می‌کرده‌اند، ما هم امروز می‌توانیم درس بگیریم که به علت سرما و یا گرما، کار، تلاش و فعالیت‌ها نباید تعطیل شود. مثلاً: برای طلاب علوم دینی و دانشجویان، سردی و گرمی منطقه، برای ادامه تحصیل، بهانه نشود. کوچ و سفر کرده و از سرمایه عمر خود به بهترین وجه استفاده کنند. و البته مسئولین امر هم باید حمایت کرده و زمینه آن را آماده کنند.

با یک حساب سر انگشتی، ما دوازده میلیون دانش‌آموز و پنج میلیون دانشجو و یک میلیون استاد و معلم، هجده میلیون می‌شود. و اگر ضرب در صد روز تابستان کنیم. این عدد روز، عمر نسل جوان ما تلف می‌شود.

با برنامه ریزی در پادگان‌ها هم در ایام فراغت، به یادگیری فن و حرفه و مهارت زندگی، مشغول شده و با استفاده از این فرصت‌ها، فرمایش مقام معظم رهبری (دامت برکاته) را که: اقتصاد مقاومتی و تولید اشتغال برنامه نجات بخش کشور است. را عملی کنیم. فرمایش ایشان در سبک زندگی هم عمل کردن به دستورات خداوند در قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام است.

۶- هوشیاری و مقابله با برنامه‌های دشمن

چند بار کلمه «وَدَّ»: دشمن دوست می‌دارد. یعنی؛ آرزوهای دشمنان ما چیست و چه چیزهایی را دوست می‌دارند، در قرآن تکرار شده است؛ الف: دوست دارند شما سازش کنید. (قلم/ ۹). ب: دوست

دارند شما کافر شوید و از مکتب اسلام دست بردارید. (نساء/۸۹).

ج: دوست دارند شما به زحمت و درد سر بیافزید. (آل عمران/۱۱۸)
د: دوست دارند شما (از امکانات، استعداد و قدرت دفاعی و... خود) غافل شوید. (نساء/۱۰۲). خداوند در این آیه اخیر دستور می‌فرماید که؛ مسلمانان نباید حتی در زمان اقامه نماز جماعت هم از مکر و حيله و نقشه ضربه زدن آن‌ها به مسلمانان غافل شوند.
آری! در سال ششم هجری، پیامبر با گروهی از مسلمانان به سوی مکه عزیمت کردند. در منطقه‌ی حدیبیه، با خالد بن ولید و دوستان نفر همراهان او مواجه شدند که برای جلوگیری از ورود آن حضرت، سنگر گرفته بودند. پس از اذان بلال و برپایی نماز جماعت، خالد بن ولید فرصت را مناسب دید که هنگام نماز عصر یکباره حمله کند. آیه نازل شد و از توطئه خبرداد.
خالد پس از دیدن این معجزه، مسلمان شد.

۷- شیوه برخورد با مخالفان

الف: در قرآن آمده است که؛ «هابیل» و «قابیل» دو برادر و از فرزندان حضرت آدم علیه السلام بودند که یکی قابیل به هابیل حسادت کرده و به او گفت: من تو را می‌کشم. «لَأَقْتُلَنَّكَ»، (مائده/۲۷ تا ۲۹). او هم گفت: من نسبت به تو چنین کاری نخواهم کرد.

ب: حضرت نوح علیه السلام در زمان نزول عذاب الهی، که بنا شد همه جا را آب بگیرد، به فرزندش که ایمان نیاورده و با او مخالفت می‌کرد، گفت: ایمان آورده تا از عذاب الهی نجات پیدا کرده و غرق نشوی. او هم در جواب پدر گفت: (پسر نوح) گفت: بزودی به کوهی پناه می‌برم تا مرا از آب حفظ کند. (نوح) گفت: امروز جز (برای افراد مؤمن) و کسانی که مورد رحم قرار گرفته‌اند، هیچ حافظ (و پناهگاهی) در مقابل قهر الهی نیست. (در این هنگام) موجی میان آن دو جدایی انداخت و او (پسر نوح) غرق گردید. (هود/۴۳)

درس پنجم :

شخصیت و جایگاه امام حسین علیه السلام و اربعین

۱- راز و رمز عدد اربعین (چهل) .

در مورد عدد (چهل) روایاتی داریم. مثلاً:

الف: از هر طرفِ خانه ما، چهل خانه، همسایه ما محسوب می‌شوند.
ب: اگر به چهل مؤمن، دعا کنیم، دعای مربوط به خود ما هم مستجاب می‌شود.

ج: اگر چهل روز بر تو گذشت و نتوانستی گوشت تهیه کرده و مصرف کنی، قرض کن و گوشت استفاده کن.

د: هر کس، چهل حدیث را حفظ کند و قصد عمل به آن‌ها را داشته و در این راه تلاش کند، در قیامت، فقیه و دانشمند محشور می‌شود. و...، پس این عدد اربعین هم یک رازی درونش هست که نمی‌دانیم.

البته در ماجرای اربعین و راهپیمایی میلیونی در حمایت از مکتب و راه و رسم امام حسین علیه السلام قدرت نمایی خدا، نمایان و ظاهر است. چون چه چیز عامل وفاداری و خرج کردن مردم، بعد از حدود ۱۴۰۰ سال از شهادت آن حضرت علیه السلام است؟

آری! این حرکت راهپیمایی هشداری برای ستمگران، یک حرکت هدفدار، حرکت مظلوم یاب، حرکت ظالم ستیز، است و حرکتی که بدون تشریفات، زن و مرد، پیر و جوان، سالم، معلول، مسئول و غیر مسئول، و...، به صورت خودجوش و مردمی، انجام می‌شود. که همه قدرتمندان جهان هم قادر به انجام چنین حرکتی نیستند.

۲- جایگاهی، فوق مکان، زمان و مذهب

امام حسین علیه السلام در هر زمان و از همه دنیا از مسلمان و سنی و

مسیحی و....، زوار و ارادتمند دارد.

پیامبر ﷺ فرمود: آن دو (حسن و حسین)، سید و آقای از جوانان اهل بهشت هستند. (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۵۳).

در اربعین، این بزرگترین راهپیمایی توسط همه گروه‌ها است که: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» (انفال/۶۰)، دشمنان خدا از آن می‌ترسند. وداعش که با پشتیبانی دشمنان اسلام برای از هم پاشیدن منطقه و مبتلا کردن کشورهای اسلامی ایران، عراق و سوریه و لبنان طراحی کرده بودند با حضور کسانی که به امام حسین ﷺ و مکتب او عشق می‌ورزند، عقب رانده و نابود شدند.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «ان الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة»، بدرستی که حسین چراغ راه هدایت و کشتی نجات است. راه و مکتب امام حسین ﷺ درس شجاعت و اخلاص، صبر و مقاومت و ایثار در راه خدا است.

۳- شخصیت جابر

پدر جابر، در جنگ اُحُد شهید شد و بعضی در تاریخ نوشته‌اند که مخالفان و قاتلان، او را مثله (اعضاء بدنش را از هم جدا) کردند. پیش از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، مسلمان شد و با آن حضرت پیمان بست و یکی از این دوازده نفری بود که به عنوان نماینده آن حضرت در قبیله خودش، منصوب شد.

از نظر علمی هم جابر دانشمند و مفسر قرآن بود و حدیث‌های مربوط به پیامبر ﷺ را او تایید می‌کرد. حوزه علمیه و کلاس درس داشت و تفسیر می‌گفت.

جابر در غدیر خم حضور داشت و شعارش این بود که: «علی خیر البشر»، علی بهترین بشر است. و بعد از آن جریان غدیر را برای مردم تعریف می‌کرد. چون در زمان خلیفه اول و دوم و سوم می‌رفت که جریان غدیر به دست فراموش سپرده شود. پیامبر ﷺ

در باره جابر فرمود: «أَنْتَ مَنَّا» ، تو از ما هستی. هر کس تو را به غضب دریاورد، خدا بر او غضب کند. هر کس تو را دوست داشته باشد، خدا او را دوست داشته باشد. (اختصاص مفید، ص ۲۲۲)

مخالفان، او را شکنجه زیاد شکنجه داده و انگشت‌های این پیرمرد را با مس داغ، می‌سوزاندند. بعد از آنکه امام باقر علیه السلام را زیارت و درک کرد و سلام پیامبر صلی الله علیه و آله را به آن حضرت علیه السلام رسانید. آن حضرت علیه السلام نزدیک بودنِ وفات او را خبر داد و بعد از اینکه او وصیت کرد از دنیا رفت.

جابر گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: جابر! آنقدر عمر تو طولانی می‌شود تا محمد باقر فرزند مرا درک می‌کنی.

سلام رسانی پیامبر صلی الله علیه و آله تا نسل ششم خود بود. جابر از یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در نوزده جنگ، در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. و زمان امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام زین‌العابدین و امام باقر علیه السلام را درک کرد. پیر و حدود صدساله و نابینا بود. از فاصله دور و از مدینه و با سختی‌های زیاد و در زمان خفقیانی که بنی‌امیه ایجاد کرده و اینگونه حرکت‌ها زیر نظر بود، به کربلا آمد. هنر جابر این بود که سکوتِ دوران اموی که بعد از کشتن امام حسین علیه السلام و یاران او و به اسارت بردن زن و بچه او، حاکم بود، را شکست. او خط‌شکن شد.

جابر بن عبدالله انصاری، زواری برای امام حسین علیه السلام در اولین اربعین بود و امروز تبدیل به چند میلیون زوآر شده است. حدیث داریم «ما كان لله ينمو» ، هر کاری برای خدا و خالص باشد رشد نمو دارد. مثل اینکه ما یک دانه در زمین می‌کاریم و چند خوشه، بیرون می‌آید که در هر خوشه هم دانه‌های زیادی است.

درس ششم :

پیامبر و امامان معصوم و وظائف ما در برابر آنها

۱- شناخت، ایمان و اطاعت

قرآن می‌فرماید: «أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»، (نساء/۱۳۶) به خدا و پیامبرش ایمان آورید. انسان وقتی در جاده‌های خاکی و با دست انداز حرکت کرده و اذیت می‌شود، احساس می‌کند که جاده آسفالته نعمت است. و زمانی که انحرافات و ظلم و ستم‌ها را می‌بیند. منزلت و جایگاه نعمت وجود رهبران نور و هدایت، پیامبر و اهل بیت برایش مشخص می‌شود. البته فرق است بین اسلام، که دین کامل، تام و شامل همه ارزش‌ها و خوبی‌ها است و مسلمانی ما که ممکن است نقاط ضعفی همچون دروغ، غیبت، فحش، حرام خواری، ربا، کم فروشی، بداخلاقی، بی ادبی و... هم داشته باشیم.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «لاتطع ، لاتطيعوا» از اینچنین افرادی به عنوان رهبری اطاعت نکنید. مثلاً؛

الف: گنه‌کار یا کفران پیشه. (انسان/۲۴)

ب: فرومایه‌ای که بسیار سوگند یاد می‌کند. (قلم/۱۰)

ج: کسانی که غافل از یاد خدا و در پی هوس خویش و مسرف هستند. (کهف/۲۸)

پس مسرف هم شایستگی برای رهبری جامعه را ندارد. لذا نگاه کنیم که پول نفت، در کشورهای اسلامی به کجا می‌رود؟

امام حسین علیه السلام که همه چیزش را در راه خدا و اطاعت از او و پیامبرش داد و خودش و یارانش برای ترویج اسلام فدا و شهید شدند. اما رضا خان آمد و مانع روضه خوانی‌ها در محرم و صفر شد.

اما بعد از ایمان به خدا و رسول و ائمه علیهم السلام، تبعیت و اطاعت از

آن‌ها لازم است. چون قرآن می‌فرماید: «هر کس پیامبر را پیروی کند، بی‌شک خداوند را اطاعت کرده است.» (نساء/۸۰)

حال! کسی که پیامبر اسلام ﷺ را قبول دارد اما نماز نمی‌خواند. و آیه مربوط به احسان به پدر و مادر را عمل نمی‌کند! (بقره/۸۳) چه فایده‌ای دارد؟! بعد از ایمان، عمل کردن به دستورات و اطاعت شرط است. قرآن می‌فرماید: آری! اگر مسلمانان تسلیم پیامبر ۹ بودند، پس از آن که پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم به فرمان خداوند علی علیه السلام را به جانشینی خود و رهبری امت اسلام معرفی کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» دیگری را بر علی علیه السلام ترجیح نمی‌دادند.

قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه خدا و رسول شما را به چیزی که حیات‌بخش شماست دعوت می‌کنند، بپذیرید.» (انفال/۲۴) این دعوت پیامبر ﷺ دعوت انسان، به حیات انسانی و معنوی است.

۲- پرداخت خمس و زکات

امام کاظم علیه السلام فرمود: اگر کسی مبلغی را که به عنوان خمس باید بدهد، نپردازد، خدا زندگی‌اش را چنان تاب می‌دهد تا دو برابر آن مبلغ در راه باطل خرج کند. و اگر کسی خمس ندهد و پیامبر ﷺ را اطاعت نکند، در حقیقت رابطه خود را با آن حضرت قطع کرده و فردای قیامت، حسرت خواهد خورد که: «ای کاش با پیامبر همراه می‌شدم». «یا لَیْتَنِي اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيْلًا» (فرقان/۲۷)

۳- ویژگی یاران رسول خدا ﷺ

قرآن می‌فرماید: «محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند. آنان را پیوسته در رکوع و سجود می‌بینی، که فضل و رضوان را از خدا می‌جویند،

نشانه آنان در رخسارشان از اثر سجود نمایان است. این است وصف ایشان در تورات و وصف آنان در انجیل، مانند زراعتی است که جوانه را از زمین خارج کرده، پس آن را نیرو داده تا سخت شود و بر ساقه‌ی خود بایستد، آن گونه که کشاورزان را به شگفتی و شادی وامی‌دارد. تا خداوند به واسطه مؤمنان کفار را به خشم آورد، ولی خدا به کسانی از کفار که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند، وعده آموزش و پاداشی بزرگ داده است. « (فتح/۲۹)

پس از ویژه‌گی یاران پیامبر ﷺ، از این آیه معلوم می‌شود:

اول: شدت و سازش ناپذیری نسبت به کفار.

در برابر آنان کوتاه نیامده و با آنها سازش نکنند. آری! اگر آنها گفتند: ما فلان سند و قرارداد را پاره می‌کنیم. رهبر فرزانه انقلاب (دامت برکاته) در جواب آنها فرمودند: ما هم آن را آتش می‌زنیم. باید در مقابل آنها پاسخ دندان شکن داد. اینکه بعضی از مساجد هم مرگ بر آمریکا نمی‌گویند، به این آیه عمل نمی‌کنند.

دوم: مهربان بودن نسبت به خودی‌ها.

سوم: توجه ویژه به عبادت و نماز.

ع- رعایت ادب و احترام و تواضع

قرآن می‌فرماید: «همانا کسانی که نزد پیامبر (از روی ادب و احترام) صدایشان را پایین می‌آورند، آنان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای (پذیرش) تقوا آزمایش (و آماده) کرده و آموزش و پاداش بزرگ مخصوص آنها است.» (حجرات/۳)

«و هر کس از شما نیز که در برابر خدا و رسولش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو بار خواهیم داد و برایش روزی کریمانه و پر ارزشی فراهم کرده‌ایم.» (احزاب/۳۱)

۵- عهد و پیمان، برای یاری کردن

حدیث داریم که؛ امام زمان علیه السلام فرموده: من شما را فراموش نمی‌کنم. پس ما رابطه ما هم باید روز به روز با آن حضرت (عج) تقویت شود. در دعای عهد، با سه کلمه و واژه این رابطه را تقویت می‌کنیم؛ «عهداً»، پیمان می‌بندم. «و عقداً»، با او گره خورده‌ام. و بالاتر، «و بیعةً»، بیعت می‌کنم، این، عهد و عقد، هم پررنگ‌تر و محکم‌تر است.

البته! در اطاعت کردن هم باید مواظب بوده تا کندتر و تندتر از آن‌ها عمل نکنیم. رفتار و کردار ما، مثلاً: چگونگی عزاداری، شادی، ازدواج و مهریه، ارتباطات اجتماعی و خانوادگی و نحوه اجرای عبادات، و... به اعتدال باشد.

گویند: زمانی که حکم خداوند آمد مبنی بر اینکه در سفر نمی‌شود روزه گرفت. بعضی گفتند: ما قدرت داریم و در سفر هم می‌توانیم روزه بگیریم. در صورتیکه حکم خدا آن است که مسافر روزه ندارد. این تند روی است.

درس هفتم:

پاداش الهی و افزایش ظرفیت انسان

۱ - سختی بیش‌تر، پاداش بیش‌تر

ما اگر نماز خوانده و «سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله» می‌گوئیم، بدانیم که؛ ماموران خدا می‌شمارند. گرچه سفارش شده که نماز جماعت، برای رعایت حال ضعیفان مختصر خوانده شود. اما در نماز فردای (تنهایی) بیشتر ذکر گفته و با خدا حرف زده و اُنس بگیریم. آری! در قرآن آمده: «آیا او نمی‌داند که خداوند می‌بیند.» (علق، ۱۴) و «ما اجر کسانی که نیکو عمل کرده، محسن و مصلح هستند را ضایع نمی‌کنیم.» (اعراف/۱۷۰) و در حدیث هم داریم که: «هرچه عمل، سخت‌تر باشد، فضیلت و پاداش آن هم زیادتر است.» (مفتاح الفلاح، ص ۴۵).

مثال: اگر فردی سر داخل آب کرده و می‌داند که افرادی بیرون آب، قدرت نفس او را می‌شمارند، سختی ماندن زیر آب را تحمل می‌کند.

۲- اخلاص و معامله با خدا، سودی ماندگار

خاطره قرآنی

امام حسن و امام حسین علیهما السلام در زمان کودکی مریض شدند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با جمعی از اصحاب، به دیدن آن‌ها رفته و پیشنهاد کردن که برای شفای آن‌ها نذر کرده که سه روز روزه بگیریم. امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام روزه گرفته و به هنگام افطار، شبی یتیم و شبی مسکین و شب سوم، اسیری مراجعه کرد و طلب کمک نمود و آن‌ها هم که چیزی در خانه نداشتند، افطاری خود را به آن‌ها داده و خود با مختصری از غذا یا آب، افطار کرده و

گفتند: ما در مقابل این کار، اجر و مزد و توقعِ تشکر هم از آنها نداریم.

خداوند مهربان هم در جواب آنها که گفتند: برای این کمکها مزدی نمی‌خواهیم، آیاتی را نازل فرموده و نعمت‌های بهشتی را برای آنها برشمرد و بعد فرمود: «همانا این جزایی است (در قیامت)، برای شما و سعیتان مورد سپاس است.» (انسان/۲۲ تا ۲۹)

آری! معامله با خدا و با اخلاص و برای او کار کردن، سود ماندگار دارد. وگرنه هرچه برای دنیا کار کرده و زحمت بکشیم. دنیا که تمام شدنی و از بین رفتنی است.

قرآن هم در وصف دنیا چنین می‌فرماید:

الف: متاع و بهره از دنیا، کم است. (نساء/۷۷).

ب: عارضی است. پایدار نیست. مثل بوی عطر است. (نساء/۹۴)

ج: «زهره» یعنی؛ غنچه است و برای هیچکس گل نمی‌شود.

طاغوت و شاهنشاه ایران، با جاوید شاه گفتن بعضی از مردم، خواست گل بشود. بلافاصله مرگ بر شاه، مرگ بر شاه، از راه رسید. فقیر باشیم روی زیلو و پولدار باشیم روی قالی می‌نشینیم. یعنی؛ یک طرف دنیا نخ، و طرف دیگر آن، پشم است. زحمت و تلاش در پنجاه سال عمر، تنها برای حرکت از نخ به سوی پشم و از خانه خستی به سوی خانه آجری و سنگی انسان را به سعادت نمی‌رساند.

۳ - بالا رفتن ظرفیت انسان با دعا

مثلاً: در دعای عهد، برای امام زمان عجل الله فرجه چنین از خدا می‌خواهیم؛ «اللهم ... خدایا! سلام ما را به امام زمان (نه فقط از طرف من)، بلکه؛ از طرف همه مؤمنین و مؤمنات. (از طرف آنان که)، در شرق و غرب (عالم) و در کویره و کوهستان‌ها و در خشکی و دریا، هستند. (و از طرف) پدر و و مادر فرزندانم. به اندازه وزن عرش الهی و به تعداد کلمات (مخلوقات)، ابلاغ فرما. این وسعت دید و نظر و

ظرفیت انسان در دعا است.

در نماز هم می‌گوئیم: «اهدنا»، خدایا! ما را هدایت کن (نه من را).
«السلام علينا»، سلام و درود بر ما (نه بر من).
«ایاک نعبد و ایاک نستعین»، ما تو را می‌پرستیم و از تو کمک
می‌خواهیم (نه فقط من).

ع- گسترده کردن نیت

در صدقه دادن، سلامتی امام زمان عجلایه و مسلمانان و همه
مسافران، در نظر و نیت خود بیاوریم و دعا کنیم. نگوئیم: این که
(صدقه)، چیزی نیست. توجه داشته باشیم که با عنایت و نظر
خداوند است که عنکبوت، بر درب غار، تار می‌بندد. (با اینکه خانه
عنکبوت، از سست‌ترین خانه‌ها است.) و جان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را از
شر دشمنان، حفظ می‌کند. (عنکبوت/۴۱)
پس اگر می‌خواهیم روح ما بزرگ شود باید خدایی شویم.

۵- نماز، عامل رشد

قرآن می‌فرماید: افرادی که کم ظرفیت هستند، کمی که
مشکلات را می‌بینند تحمل نکرده و جیغ می‌زنند؛ و زمانی که
خیری ببینند دیگران را از آن منع کرده و بخل می‌ورزند. «إِلَّا
المُصَلِّينَ»، مگر آن‌ها که اهل نماز هستند. (معارج/۲۰ و ۲۲)

۶- تلاش برای کسب علم و دانش مفید

۳۵۰ بار جمله «اعوذُ بک»، یعنی؛ خدایا! به تو پناه می‌برم. در
احادیث و دعاها تکرار شده است. در حقیقت از یک خطری به خدا
پناه می‌بریم.

و یکی از آن‌ها: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»، (مصباح‌المتهجد، ص
۷۵)، خدایا! به تو از علم و دانش غیر مفید پناه می‌برم.
ببینید چه علم و درس و کتابی برای شما و جامعه مفید است.

غیر از درس، اگر پدران ما فنون، هنر و مهارت‌هایی (مثل شنا، نجاری، مکانیکی، کامپیوتر و...) دارند از آن‌ها بیاموزیم. در جامعه امروز ما تحصیل کرده بی‌هنر و مهارت کاربرد زیاد ندارد. در درس‌ها، به عربی، که زبان فهم قرآن است اهمیت بدهید. که وقتی این آیه قرآن را تلاوت می‌کنید؛ «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ»، (توبه/۱۲) و فتوای کشتن سلمان رشدی مرتدّ از طرف امام خمینی علیه السلام صادر می‌شود، وحشت نکنید که این اسلام خطرناک است.

درس هشتم:

مقایسه داشته‌ها و نداشته‌ها

۱- هدف‌ها مهم است

یکی، رهبر و رئیس جمهور و وکیل و وزیر و سفیر و دیگری، تاجر و کاسب و استاد دانشگاه و دانشجو است. مهم نیست که ما در کجا قرار گرفته‌ایم. مهم آن است که حرکت و مسیر ما صحیح باشد. اما هر کسی به اندازه امکانات و استعدادش. نباید هدف را گم نشود.

مثال: یکی ندارد ده هزار تومان و دیگری دارد. یک میلیون تومان و یا بیشتر به سیل و زلزله زدگان و... کمک می‌کند. اجر هر دو یکی است. چون هر کدام به اندازه قدرت و توان خود کمک کرد.

لذا با این نگاه، انسان نباید احساس کند چرا من کم استعداد و یکی هم بوعلی سینا شده است؟ بله! ممکن است بوعلی سینا با دو ساعت مطالعه در کتابخانه ده مطلب و من دو مطلب یاد بگیرم، اما بنابر استعداد خود هر دو مساوی تلاش کرده و نزد خداوند مأجور بوده و پاداش می‌گیریم.

۲- توجه به معلولان و حمایت از آن‌ها

داستان قرآنی؛ در سوره «عَبَسَ» داستانی آمده است که؛ مرد نابینایی عصا زنان، وارد جلسه‌ای شد که پیامبر عزیز اسلام ﷺ هم در آن تشریف داشتند. گفت: یا محمد! قرآن یادم بده! این در حالی بود که نمی‌دانست در این جلسه، به غیر از آن حضرت ﷺ سران قریش هم هستند. یکی از آن‌ها برای حضور این نابینا عبوس و اظهار ناراحتی کرد. خداوند چند آیه در مَدَمَت این کار زشتی که به نابینا بی‌احترامی شد، در این سوره نازل فرمود.

سؤال: آن فرد نابینا که عبوس کردن آن قریشی را که متوجه

نشد. پس چرا خداوند آن را محکوم و مذمّت فرمود؟
جواب: اصل اخم و عبوس کردن نسبت به نابینا و ناتوانی، بد و غلط و نازیبا است، چه او بفهمد یا نفهمد.

۳- رابطه مشکلات، پاداش و جزا با عدل خدا

خداوند عادل است. البته در کنار تلخی‌ها، شیرینی‌ها را هم قرار داده است. مثلاً: یکی صدای زیبا و خوبی ندارد، اما حافظه‌اش خوب است و دیگری، خوش صدا است و حافظه خوبی ندارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

با هر وسعتی تنگنایی هم هست. یعنی؛ گوشت و استخوان با هم است. (نهج البلاغه، خطبه ۹۱)

یکی قدش بلند است؛ اما همتش کوتاه است. و یکی بیانش روان، اما قلبش مثل سنگ است. «طَلِيقُ اللِّسَانِ حَدِيدُ الْجَنَانِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴). ما باید تلخی‌ها را در کنار شیرینی‌ها تحلیل کنیم. تا به نتیجه مناسب و حقی برسیم.

سؤال: چرا نتیجه، ثواب، پاداش و جزای اعمال ما در آخرت است؟
جواب: چون نمی‌دانیم اعمال ما، (چه خوب و چه بد)، تا چه زمانی ادامه دارد و یا تکرار می‌شود. پس باید صبر کنیم عمر دنیا تمام شود تا به اعمال ما رسیدگی شود. مثلاً: علامه امینی (ره) کتاب بسیار مهمی به نام «الغدیر» باید صبر کنیم تا در طول تاریخ و تا قیامت چه تعداد افرادی از آن استفاده می‌کنند. تا بر اساس آن، به او پاداش داده شود. و یا پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله را در زمان حیات خودش چگونه می‌خواهیم پاداش بدهیم. اگر الآن، مزدش داده شود که ظلم به اوست. یا صدامی که هزاران نفر را کشته و شکنجه داده و این همه جنایت کرده است، با یک گلوله جزای او داده شود؟! پس دنیا برای پاداش و جزا دادن به افراد کوچک است. خداوند عادل و حکیم، پاداش و جزای اعمال ما را با آثاری که داشته می‌دهد. پس

باید زمان بگذرد تا آثار آن معلوم شود.

البته کارهای خدا بر اساس حکمت او است پس ما باید در مشکلات و کمبودها به چند چیز فکر کنیم؛

الف: خدا نیاز به ما ندارد. **ب:** ما را دوست دارد. **ج:** اگر یک چیزی را می‌گیرد در عوض یک چیزی را می‌دهد.

سؤال: آیا خدا نمی‌تواند مشکلات ما را حل کند؟ او که بر هر چیز، قادر است پس چرا انجام نمی‌دهد؟ مثلاً: یکی سنگ را بردارد و به طرف سر دیگری پرتاب کند. خدا نگذارد که اصابت کند و یا سر او سنگ و آهن و چدن شده تا سنگ کارایی خود را از دست بدهد.

ع- بهره‌برداری مناسب از شرایط سخت و سنگین

گاهی در خود تلخی‌ها، شیرینی هم احساس می‌شود. مثلاً: لیموترش، ترش است. اما خاصیتی دارد که لیموی شیرین ندارد. مثلاً: چشم ما ضعیف است اما خداوند حکیم برای آن، چند رقم حفاظت مثل ابرو، مژه و پلک و اشک که آب شور است را قرار داده است.

آیت الله هاشمی رفسنجانی (ره) مدتی که در زندان بوده، حق نداشته هیچ کتابی را به جز قرآن مطالعه کند. خانواده‌اش مخفیانه برایش کاغذ و خودکار برده و ایشان، یک دور تفسیر قرآن را نوشته است. که الحمدلله بعد از انقلاب به نام تفسیر راهنما در بیست جلد، چاپ و منتشر شد.

اگر کسی اهل کار باشد. شرایط برایش فرق ندارد. هرچه هم تلخ باشد، از آن، استفاده صحیح می‌کند. البته بسیار سخت است. ولی اجرش هم بیشتر است. نباید مأیوس شد. باید آنچه سبب رشد ما است از خدا بخواهیم و برای آن در هر شرایطی، تلاش کنیم.

درس نهم :

ارزش علم و ظرفیت انسان

۱- ارزش علم

علم چیزی است که هم روی اشرف مخلوقات و هم روی پست ترین مخلوقات، اثر دارد.

داستان قرآنی؛ خداوند در سوره بقره آیه ۲۵۹ می فرماید: «پیامبری (به نام عزیز یا ارمیا) سوار مرکبی و از منطقه و روستایی مخروبه که اهالی آن هم از دنیا رفته بودند، می گذشت. گفت: خدایا! چطور این مرده‌ها را زنده می کنی؟ به اراده خدا (همین پیامبر و در همان مکان)، با مرکبش از دنیا رفت. بعد از صد سال، خداوند او را مبعوث و زنده اش کرد. و سپس از او سؤال فرمود: چقدر درنگ کردی؟ گفت: نصف روز یا یک روز است. فرمود: بلکه صد سال است. از همان زمان که سؤال کردی، که چگونه این مردگان زنده خواهند شد؟ حالا نگاه کن! الاغت را هم جلوی چشمت زنده می کنم.

حال! همه این داستان، برای چه بود؟ می فرماید: پس هنگامی که (این حقایق برای آن مرد خدا) آشکار شد، گفت: (اکنون با تمام وجود) می دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست.

یعنی؛ ارزش دارد که صد سال یک پیامبری بمیرد تا یک چیزی را با یقین بدانند و بفهمند.

در باره ارزش علم و دانش و آموزش، که در رساله احکام علماء و مراجع دین، آمده است؛ با اینکه سگ حیوان نجسی است. اما اگر آموزش دید و گوسفندی را برای شما شکار کرد، شکار او پاک و حلال است. چرا؟ برای اینکه شکارچی اش آموزش دیده است.

۲- گستره فراگیری علم و دانش

ما برای فراگیری علم و دانش، هیچ زمانی فارغ التحصیل نمی‌شویم. خدا به پیامبرش هم می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»، (طه/۱۱۴) «و بگو: پروردگارا! علم مرا زیاد کن.» با اینکه در دعای ندبه می‌خوانیم؛ «و عِلْمَتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ خَلْقِهِ» خدا همه علوم را به پیامبر داده است. یعنی؛ خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: تو هم فارغ التحصیل نیستی.

علوم بشر در مقابل علم الهی و حتی علم پیامبر ﷺ چیزی نیست. و لذا خداوند در قرآن می‌فرماید: «و جز اندکی از دانش به شما نداده‌اند.» (اسراء/۸۵)

۳- بهره‌گیری بهتر از امکانات موجود

ببینیم خداوند حکیم با قرار دادن یک شکاف، در صورت و دو لب، چکار کرده است؛ خوردن و نوشیدن، سخنرانی، گرفتن و پس دادن اکسیژن و کربن، فوت کردن و سوت زدن. حال! اگر کارشناسان و مهندسی‌ن بودند با این پروژه سنگین چکار می‌کردند؟ مثلاً: ما هم می‌توانیم با مدیریت صحیح در ساخت یک سالن، برای سخنرانی، اقامه نماز جماعت، سالن غذاخوری، خوابگاه، ورزش و مراسمات مختلف مثل جشن عروسی و... استفاده شود. و یا حدود ۲۵ هزار دانشجو، چند هکتار زمین دانشگاه در اختیار دارند که به هر کدام از آن‌ها، ۵۵۰ متر زمین، به اندازه یک زمین فوتبال می‌رسد. می‌توان با برنامه و طرحی زمینه ایجاد کرد که آن‌ها در ایام فراغت خود، به کارهایی مشغول شوند تا خودکفا شده و برای هزینه ادامه تحصیل و تشکیل زندگی، مشکل پیدا نکنند؟

۴- بهره‌گیری از همه ظرفیت و توان

خداوند در قرآن جملاتی دارد مانند: «حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران/۱۰۲)،

«حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (بقره/۱۲۱)، «حَقَّ جِهَادِهِ» (حج/۷۸) یعنی حق تقوا و حق تلاوت و حق جهاد را بجای آورید. و اگر نمی‌توانید کم نگذارید؛ «مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن/۱۶) یعنی؛ به اندازه توان و استطاعت، تقوا داشته و خود را برای مقابله با دشمن و قرائت قرآن، تلاش کنید. لذا ما بیش از آنیم که به ظاهر فکر می‌کنیم. اگر بخواهیم چند ساعته هنر و یا مهارتی مثل شنا و رانندگی یاد می‌گیریم. و یا نماز خود را صحیح بخوانیم.

از وقت و فرصت‌هایی که داریم به بهترین وجه استفاده کنیم. آیت الله تستری (ره) کتابی دارد به نام «أوائل» هرچه در تاریخ برای اولین بار اتفاق افتاده، (حدود هزار مورد) را کم کم و در طول تاریخ مطالعات خود جمع آوری کرده، یک کتاب شده است.

ما ظاهراً حدود هشتصد هزار جوان، در پادگان‌ها داریم. چه بسا آب و خاک هم در دسترس آن‌ها هست، اما استفاده نمی‌کنند. شاید با برنامه‌ریزی بتوانند آنچه خود در پادگان نیاز دارند (مثل گوجه، سیب زمینی، خیار)، بکارند. و برای مهارت‌هایی مثل خیاطی، آهنگری و... که راهی به سوی خودکفایی است، استفاده کنند.

۵- مدیریت بهره‌برداری از منابع خدادادی

خداوند بارها در قرآن فرموده است؛ «سَخَّرَ لَكُمْ»، یعنی ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا انسان مدیریت کرده و از این امکانات خدادادی به بهترین صورت استفاده کند. اما در آیه دیگر می‌فرماید: «اگر (بخواید) نعمت خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را به دقت شماره کنید، همانا انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است.» (ابراهیم/۳۴)

بر همین اساس، ما در مسایل سیاسی هم که می‌گوئیم: نه شرقی، نه غربی. اما برای استفاده از علم و پیشرفت، هم شرقی و هم غربی هستیم. از هر دو استفاده می‌کنیم ولی زیر بار سلطه و

زورگویی آنها نمی‌رویم.

مثال: یخ خوب است اما یخ‌زدگی و سرمازدگی بد است. همانطور که گرما خوب و گرما زده‌گی بد است. آری! سیاست خوب و سیاست‌زدگی بد است.

۶- پرهیز از شهرت طلبی

در اسلام، لباس شهرت حرام است. بعضی می‌خواهند با بعضی حرکات و کارها مردم به آنها نگاه کنند، گرچه با بستن نحوه بند کفش یا مدل دادن به ریش و سییل و صدای زنگ تلفن خود باشد. امام کاظم علیه السلام فرمود: کسانی که کاری می‌کنند که دیگران به آنها توجه کنند، کمبود دارند و می‌خواهند اینگونه جبران کنند. یکی با ظاهر و قیافه روشنفکری، به من گفت: ما که تحصیل کرده و نسل فرهیخته هستیم. باز هم باید از مراجع، تقلید کنیم؟ گفتم: به همان دلیل که مراجع هم از متخصصین تحصیل کرده تقلید می‌کنند و زمانی که بیمار می‌شوند به پزشک مراجعه می‌کنند.

درس دهم :

توجه به ارزش علم و علم آموزی (۱)

۱- معلّمی، عبادت است

به معلّمی به عنوان شغل، درآمد و تجارت، نگاه نکنیم. بلکه معلّمی عبادت است. کار معلّم مثل کسی است که افراد را از غرق شدن نجات می‌دهد. معلّمی، نجات یک انسان است.

معلّمی کار خدا: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (الرحمن/۲ و ۱) یعنی؛ خدای رحمان معلّم است. و کار انبیاء؛ «يُعَلِّمُهُم وَيُزَكِّيهِمْ» و کار جبرئیل است؛ «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (نجم/۵).

افرادی مثل مهندسين، روی جماد، ماشین، ساختمان، هواپیما و...، اما معلّم و مربی، روی مغز و فکر انسان، کار می‌کند. اگر مهندسی سالنی را ساخت. این سالن، سالن دیگری را نمی‌سازد. اما معلّمی که انسانی را تربیت می‌کند، شاید او ده‌ها بلکه صدها انسان دیگر را تربیت کند.

تاجر در بازار، چرخ خیاطی و کامپیوتر و کولر و یخچال و فریزر و...، توزیع می‌کند. اما معلّم، علم و دانش، پخش می‌کند.

۲- نقش آموزش در پیشرفت بشر

دانشمندی کتاب کلاس اولش را در جای مخصوصی در کتابخانه خود قرار داده بود که باعث جلب توجه دیگران می‌شد. علتش را پرسیدند؟ گفت: آن کتاب را خواندم تا به اینجا راه پیدا کردم.

معلّم، پنج کار مهم انجام می‌دهد؛ الف: کشف استعدادها. مثل کشف معدن. ب: استخراج از ظلمت به نور. ج: ذوب در فهم و عمل. د: قطعه سازی و ساخته شدن. هـ: مونتاژ و تشکیل جامعه‌ای متمدن.

آری! معلم، با ارزشمندترین گوهر هستی، یعنی انسان و فکر و مغز او سر و کار دارد. نه با اجناس دیگر، گرچه طلا و جواهر باشد.

۳- اهمیت تربیت در کنار تعلیم

انسان گوهر هستی است و اگر تربیت نشود از حیوان و گرگ هم بدتر می‌شود. قرآن هم می‌فرماید: «آنان دل‌هایی دارند که با آن حق را درک نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند.» (اعراف/۱۷۹).

خطر غفلت، از فراموشی خدا و قیامت، شروع می‌شود. «نَسُوا اللَّهَ» (توبه/۶۷) و «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۶). و گاهی هم با فراموشی مکتب است؛ «أَتَتِكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا» (طه/۱۳۶).

یک گاو شاید چند تا شاخ زده و یا گرگ، چند شکم پاره کند. اما قابل مقایسه با جنایت‌های اسرائیل و حتی دولت به ظاهر اسلامی سعودی نیست. نفت مسلمان‌ها را می‌فروشد، اسلحه می‌خرد و مسلمانان یمنی را می‌کشد و به کودکان و زنان هم رحم نمی‌کند.

لذا تشبیهاتی در قرآن برای انسان‌های نااهل و حیوان صفت هست. آنان که تربیت الهی و دینی ندارند. یکجا می‌فرماید: «كَمَثَلِ الْجِمَارِ» (جمعه/۵)، مثل الاغ است. درس خوانده مطالعه زیاد کرده اما ادب ندارد. به پدر و مادرش بی‌احترامی می‌کند.

حرکت و پرواز با دو بال علم و ایمان، انسان را به هدف حقیقی الهی می‌رساند. لذا ببینیم آیا هرچه علم و دانش اضافه می‌شود، ادب و اخلاق هم زیاد می‌شود؟ قرآن چند بار در جهت اهمیت این موضوع، اول می‌فرماید: «بِزَكِيَّتِهِمْ»، تربیت و تزکیه. سپس می‌فرماید: «يُعَلِّمُهُم»، دانش‌اندوزی.

درس یازدهم:

نشانه های مؤمن و کافر واقعی

۱- کار در جهت حق و برای خدا

در قرآن یکجا می‌فرماید: «آن‌ها به حق مؤمن هستند.» (انفال/۴) و در آیه دیگر می‌فرماید: «آن‌ها به حق کافر هستند.» (نساء/۱۵۱)

در تاریخ آمده است که؛ حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام خدمت امام هادی علیه السلام رسید و عرض کرد: می‌خواهم عقاید مرا خدمت شما بازگو کنم، اگر مشکلی دارد، راهنمایی فرمائید. عقایدش را بازگو کرده و حضرت علیه السلام آن‌ها را تأیید و بعد فرمود: «انت ولینا حقاً»، تو ولی بر حق ما هستی.

این، برای همه ما به خصوص برای نسل جوان، درس است که عقائد و افکار خود را بر علمای اسلام عرضه کرده تا دچار اشتباه و انحراف نشوند.

یکی می‌گفت: من خمس خودم را در راه کارهای فرهنگی مصرف می‌کنم. گفتم: اینکه نادرست است، زیرا خمس برای امام زمان (عج) است و باید زیر نظر مراجع تقلید مصرف شود.

۲- آمادگی برای هجرت

قرآن می‌فرماید: «و کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و کسانی که پناه دادند و یاری کردند، همانان مؤمنان واقعی‌اند. برای آنان آمرزش و روزی شایسته و کریمانه‌ای است.» (انفال/۷۴)

آری! پیش از جنگ بدر، کفار مکه مردم آن شهر را به جنگ با مسلمانان فراخواندند و تهدید کردند که همه باید شرکت کنند و هر کس تخلف کند، خانه‌اش ویران و اموالش مصادره خواهد شد.

برخی از مسلمانان هم که ساکن مکه بودند و هنوز هجرت نکرده بودند، از ترس جان، همراه کفار به جبهه‌ی جنگ با مسلمانان آمدند و در «بدر» کشته شدند، آیه نازل شد. (نساء/۹۷) و آنان را که با ماندن در محیط کفر و ترک هجرت، به خویش ستم کرده بودند، توبیخ کرد و مقصر دانست.

در روایات آمده است: کسی که به خاطر حفظ دین خود، حتی یک قدم هجرت کند، اهل بهشت و همنشین حضرت محمد ﷺ و ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است.

در زمان جنگ به یکی از کشورهای اروپایی رفتم که؛ پزشکان ایرانی را دعوت کنم تا به ایران آمده و مجروحان جنگی را مداوا کنند. گفتند: ما برای کمک دلار می‌دهیم، اما ایران نمی‌آئیم. آن‌ها مصداق این آیه هستند که «أَمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا»، بعضی ایمان آورده اما هجرت نمی‌کنند.

پزشکان ما هم باید برای رضای الهی به مناطق محروم، هجرت کنند. البته حدیث داریم ایمان ده درجه است. بعضی یک درجه ایمان دارند، در حدی که فقط روز عاشورا، پیراهن سیاه می‌پوشند و دیگر کارها مثل نماز، خمس، زکات و عباداتشان بجا نیست.

۳- آموزش رفتارهای دینی به فرزندان

حدیث داریم: می‌خواهی به فقیر کمک کنی. پول را به فرزندت بده تا او به فقیر کمک کند. یعنی؛ کمک به فقرا را به نسل خود آموزش بدهیم.

یکی از وزرای انقلابی می‌گفت: می‌خواستم افطاری بدهم به فرزندم گفتم: شما دوستان را دعوت کن به آن‌ها افطاری بدهیم. در مسجد، هر روز یکی از نوجوانان، اذان بگوید. تا دیگران هم یاد گرفته و به این کارها تشویق شوند.

ع- تبعیض در احکام، نشانه عدم ایمان واقعی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «قطعاً کسانی که به خداوند و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی بیفکنند و می‌گویند: به بعضی ایمان می‌آوریم و به بعضی کافر می‌شویم، و می‌خواهند در این میانه راهی در پیش گیرند، (که مطابق هوس باشد، نه عقل و استدلال.» (نساء/۱۵۰).

مثلاً: یکی بگوید: خمس می‌دهم و نماز می‌خوانم، اما حجاب و ربا را قبول ندارم. این حقیقتاً نشانه کفر و بی‌ایمانی اوست. در تاریخ هم داریم که به پیامبر ﷺ گفتند: شما واجب بودن نماز را از ما بردار، بقیه احکام را قبول می‌کنیم.

درس دوازدهم:

توجه به ارزش علم و علم آموزی (۲)

۱- همراهی مردان خدا و علمای ربّانی

در قرآن آمده است که؛ موسی به او (خضر) گفت: آیا (اجازه می‌دهی) در پی تو بیایم، تا از آنچه برای رشد و کمال به تو آموخته‌اند، به من بیاموزی؟

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هنگامی که موسی، خضر را ملاقات کرد، پرنده‌ای در برابر آنان قطره‌ای از آب دریا را با منقارش برداشت و بر زمین ریخت. خضر به موسی گفت: آیا رمز این کار پرنده را دانستی؟ او به ما می‌آموزد که علم ما در برابر علم خداوند، همانند قطره‌ای در برابر دریایی بی‌کران است.

از داستان فوق، استفاده می‌شود که؛

الف: فقط علم ظاهری نیست، بلکه ایمان به غیب هم در رشد و تربیت انسان، مسأله مهمی است. چنانکه قرآن می‌فرماید: «کسانی هستند که به غیب ایمان دارند.» (بقره/۳)

ب: در راه تحصیل باید زحمت کشید. (کهف/۶۲) پس باید برای کسب بیشتر آن، تلاش کرده و خود را فارغ‌التحصیل ندانسته و به عناوینی مثل دیپلم و لیسانس و فوق لیسانس قانع نشویم.

ج: تحصیل را منحصر و فقط وابسته به مدرسه، دانشگاه، کلاس و درس ندانیم. گاهی ممکن است ملاقات و همراهی با یک عالم ربّانی و یا یک دانشمند فرهیخته، اثرات سازنده‌ای داشته باشد.

د: در تعلیم و تربیت، تفاوت ظرفیت افراد را در نظر داشته و جدی بگیریم. در این داستان حضرت موسی ﷺ ظرفیت حضرت خضر را نداشت، مثل تحمل سوراخ کردن کشتی، کشتن بچه و ساختن

مجانای دیوار خراب شده.

۲- تلاش از ما، توفیق از خدا

در همه کارها، باید توفیقات را از جانب خدا بدانیم. مثل حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام که گفت: آنچه دارم از فضل خدا است. (نمل/۴۰) و بر خلاف قارون، (سرمایه‌دار زمان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام) که وقتی به لو گفته شد: «و همان‌گونه که خداوند به تو احسان کرده است، تو نیز (از این ثروت به دیگران) احسان نما.» او در جواب گفت: «همانا این (ثروت فراوان) به واسطه دانشی که خودم داشته‌ام، به دست آورده‌ام.» (قصص/۷۷ و ۷۸)

در نماز هم می‌گوئیم: «بحول الله و قوته أقوم و أقعد»، یعنی؛ به خواست و قدرت خدا بلند شده و می‌نشینم.

۳- مردمی بودن

قرآن درباره سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: در بازارها (و در بین مردم)، راه می‌رفت. (فرقان/۷) سایر پیامبران هم چنین بودند: «یَمْشُونَ»، (اعراف/۱۹۵) در بین مردم رفت و آمد داشتند.

در آیه دیگر خداوند خطاب به اشراف و بزرگان مکه، که در رفت و آمدها امتیازی برای خود قائل بودند، فرموده است: «أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ»، (بقره/۱۹۹) «سپس در هنگام حج از همانجا که مردم کوچ می‌کنند، کوچ کنید.»

نشستن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مجالس به شکلی بود، (به صورت دایره، که بالا و پائین مجلس مشخص نیست)، که اگر یک غریبه وارد بر مجلس می‌شد حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نشناخته و می‌پرسید: «ایکم رسول الله» کدام یک از شما پیامبر خدا است؟

درس سیزدهم :

برکات انقلاب اسلامی (۱)

۱- عزت و نفوذ ناپذیری

در ادبیات عرب به دستی که چرب شده و آب نمی‌تواند در آن نفوذ کند بلکه آن را پس می‌زند، «عزیز» می‌گویند. و به زمین سفت و سخت هم می‌گویند: «ارضُ عزاز»، این زمین «عزیز» است و بیل و کلنگ، در آن اثری نمی‌گذارد.

الآن به کشورهای دیگر نگاه کنید، چون در غیر از ایران، این عزت و نفوذ ناپذیری حاکم نیست، چگونه از آمریکا می‌ترسند. در زمان قبل از انقلاب و حکومت شاهنشاهی، توسط افراد ترسو و خودباخته، قانونی تصویب شد که اگر آمریکایی‌ها، در ایران امنیت دارند و هر جنایتی کردند، ایرانی‌ها حق اعتراض و شکایت برعلیه آن‌ها را ندارند.

۲- حاکم شدن فقیه عادل

سؤال: دانش آموزی به من گفت: ما در زمان طاغوت و قبل از انقلاب به شاه بله قربان می‌گفتیم، حالا هم که باید از ولی فقیه اطاعت کنیم، خوب چه فرقی کرد؟

جواب: به او گفتیم: این دو فیزیکش یکی است، اما شیمی‌اش با هم فرق می‌کند. فیزیک هر دو بله قربان است. اما شیمی‌اش، بله قربان به عادل یا فاسق؟ برای رضای خدا یا رضای آمریکا؟ بر اساس ایمان و تقوا، عزت و پیشرفت کشور و امت و یا هوای نفس، قدرت‌طلبی، خودباختگی و وابستگی به شرق و غرب و قدرت‌های بیگانه و دشمن.

در جنگ تحمیلی، عده‌ای برای دفاع و حفظ اسلام و نظام جمهوری اسلامی شهید، مجروح و اسیر شدند و عده‌ای هم برای هواهای نفسانی و قدرت طلبی صدام و بیگانگان، یکی می‌خواهد و تلاش می‌کند که زمینه پیاده شدن احکام الهی فراهم شود و دیگری می‌خواهد کشورگشایی کند. آیا این‌ها با هم فرقی ندارد؟

۳- توسعه مراکز علمی و دانشگاه‌ها

ما قبل از انقلاب چند هزار دانشجو و الآن بالای میلیون‌ها نفر دانشجو داریم و قفل خیلی از مشکلات در راه تحصیل شکسته شد؛ الف: در آن زمان، دانشگاه فقط در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ، بود و الآن شهرهای کوچک هم هست.

ب: می‌گفتند: دانشگاه باید وسط شهر، باشد. الآن در مناطق دور و در حاشیه شهرها هم ایجاد شده است.

ج: می‌گفتند: دانشجو نباید کمتر از هجده سال باشد و استاد دانشگاه هم نباید بالای ۶۵ سال داشته باشد. الآن این قید و شرط هم برداشته شد.

د: زمان تحصیل در دانشگاه باید شنبه تا چهارشنبه باشد. الآن دانشجو بسیاری از ترم‌ها را پنج‌شنبه و جمعه می‌گیرد.

البته دانشگاه همیشه نباید مجانی باشد. گاهی باید هزینه درس خواندن را مثل هزینه لباس و مسکن و کفش و کلاه و... بپردازد.

۴- صدور فرهنگ انقلاب

الحمدلله، اسلام انقلابی، در جهان، بخصوص در کشورهای منطقه مثل عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، فلسطین و سایر کشورها نفوذ کرد. چون اسلام، مرز جغرافیایی برای کشورها قائل است. اما محدودیت در مرز اعتقادی را به رسمیت نمی‌شناسد. چون هر کسی در هر گوشه از دنیا و در هر کشوری باید در عقیده آزاد

باشد. قرآن می‌فرماید: «شما را چه شده که در راه خدا و (در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما.» (نساء/۷۵)

شاعر هم به حق می‌گوید:

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی

۵- مردمی بودن؛

در پیروزی انقلاب اسلامی، با لطف خداوند، همه مردم، از هر منطقه و شهر و روستا، با هر زبان، ترک و لر و عرب و بلوچ، حمایت کردند. انقلاب به رهبری امام خمینی(ره) خودجوش و مردمی بود.

۵- اخلاص و انگیزه الهی

امام خمینی(ره) فرمود: من در انقلاب سهمی ندارم و خاک بر سر من، اگر هدفم از انقلاب، رئیس شدن و ریاست‌طلبی باشد.

۶- سیاست، برگرفته از دین و قرآن

رابطه سیاسی ما با دیگران بر اساس دین و قرآن است که می‌فرماید: ارتباط و رابطه با؛ «صراط الذین انعمت علیهم»، راه کسانی که به آن‌ها نعمت داده‌ای، مثل انبیا، صدیقین، صالحین و شهدا که راهشان، صراط مستقیم است. نه راه غضب شده‌ها و گمراهان منحرف که در مسیر دوزخ هستند.

در قرآن، حدود پانصد آیه سیاسی داریم. اگر دین از سیاست جدا بود که امامان معصوم شهید نمی‌شدند. اگر امام حسین علیه السلام در حکومت ظلم و جور بنی‌امیه امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کرد که شهید نمی‌شد.

درس چهاردهم:

هویت داشتن و بی‌هویتی

۱- ارزش انسان

معیار ارزش انسان، هویت و بی‌هویتی، شخصیت و بی‌شخصیتی است. افرادی ثبات شخصیت دارند و بعضی ارزان و زود خود را می‌بازند. امام سجاد علیه السلام می‌گوید: بعضی‌ها عمر و فکرشان، چراگاه شیطان است. خدایا! اگر عمر من صرف طاعت تو می‌شود، عمرم بده. (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰) یعنی؛ فکر، نگاه، حرف زدن، محبت و غضبش شیطانی است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: ای انسان! قیمت و بهای تو بهشت است. «ثمنک الجنة» به کمتر از بهشت خودت را نفروش. یعنی؛ فکر کنیم این همسری که خانه، سرمایه، زیبایی، ماشین و... دارد. آیا ایمان، تقوا، اخلاق و ادب هم دارد؟ یا در انتخاب شغل، رشته تحصیلی و دوست و... چه چیزهایی برای ما ملاک است؟

۲- توجه به نوع سود و زیان

ملاک‌های شناخت دنیا و سود و زیان در قرآن؛

الف: افراد بی‌هویت، تجارت انسانی و معنویشان، سودی ندارد. (بقره/۱۶)

ب: دنیا چیزی نیست. قرآن برای دنیا چند واژه بکار برده است؛ «دنیا قلیل و کم است.» (نساء/۷۷). «دنیا غنچه است.»، (طه/۱۳۱) که برای هیچ کس گل نمی‌شود (و عارضی است.) (نساء/۹۴) مثل بوی عطر است که ماندگار نیست.

ج: تجارت و معامله بد. (بقره/۹۰)، (افرادى که بد معامله می‌کنند.)

د: تجارت و معامله همراه با خسارت. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»،

(عصر/۲) یعنی؛ بعضی هم غرق در خسارت هستند. مثلاً: بر فرض که این آهنگ را ارشاد اجازه داده است. اما چون تحریک می‌کند برای من حرام است.

ه: در دعایی آمده است که؛ «خاب الوافدون علی غیرک» باختند آنهایی که با غیر خدا معامله کردند. مثل رهبر منافقین که عده‌ای از جوان‌های ایران را هم گول زد و الآن سال‌ها است که آواره کشورهای مختلف، و حتی در بعضی از موارد پناهنده به دشمنان مسلمین شده‌اند، خود را فدای چه چیز و چه کسی کردند؟!

و: در چند جای قرآن آمده است؛ همه عزت از آن خدا است و اوست که به مؤمنین عزت می‌بخشد. (نساء/۱۳۹)

ز: اگر ما توجه به معنویت انسان و خود نداشته باشیم، حیوانات از ما جلوتر هستند. مثلاً: خوردن آن‌ها چند امتیاز دارد؛ بیشتر می‌خورند. راحت‌تر می‌خورند. پوست کندن ندارند. سرخ کردن ندارند. ظرف‌شویی هم ندارند.

۳- توجه به جایگاه انسان در نظام هستی

خداوند در قرآن می‌فرماید؛

الف: من از روح خودم در تو دمیدم. (حجر/۲۹)

ب: بهترین ساختمان ظاهری را به تو دادم. (تین/۴)

ج: من برای خلقت تو، به خودم «احسن الخالقین» (مؤمنون/۱۴) بهترین خلق کننده گفتم.

۴- برابری زن و مرد در کسب کمالات

خداوند به طور مساوی در قرآن خطاب به مردها و زنها می‌فرماید: «همانا مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان مطیع خدا، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان انفاق‌گر، و مردان و زنان

روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند.» (احزاب/۳۵)

بنابراین از دیدگاه اسلام و قرآن، زن و مرد در جهت رشدهای انسانی، معنوی و اخلاق، یکسان هستند.

۵- هویت مرز اطاعت

قرآن اطاعت از افراد و گروه‌هایی را ممنوع کرده است:

الف: از کسی که گناهکار است، اطاعت نکنید.

ب: از کسی که از ذکر و یاد ما غافل و دنبال هوس خود و افراطی است، اطاعت نکنید. (کهف/۲۸)

ج: از افراد پست و بی‌هویت دنباله روی نکنید. (قلم/۱۰)

د: اطاعت نکردن از خودباختگان. خودباختگی نظامی، وقتی در میدان جنگ دشمن را دیدند گفتند: «لَا طَاقَةَ لَنَا» (بقره/۲۴۹) ما توان مقابله با حریف را نداریم.

از نظر قرآن، انسان‌های با هویت در مقابل دشمنان هم کم نیاورده و استقامت می‌کنند. چنانکه می‌فرماید: بیست نفر با ایمان و مقاوم، در مقابل دویست نفر می‌ایستند. (انفال/۶۵) مثل کربلا که هفتاد و دو نفر، در مقابل سی هزار نفر ایستادگی و مقاومت کردند. بعضی دنبال فهم علمی و دقیق نیستند. خودباختگی هم دارند؛ «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» (انعام/۱۱۶). لذا باید توجه داشته باشیم که زمانی که در اروپا چاپخانه اختراع شد، دومین کتابی که چاپ کرد کتاب قانون بوعلی سینای ایرانی بود. در دائرة المعارف‌های اروپایی کلمه «حمّام» دویست سال و در اسلام، سابقه ۱۴۰۰ ساله دارد.

درس پانزدهم :

برکات انقلاب اسلامی (۲)

۱- استقلال و آزادی

مردم ما امروز با رأی دادن و با اختیار خود همه مسئولین نظام را انتخاب می‌کنند. توجه داشته باشیم که حاکمان سعودی که ادعای اسلامی بودن را دارند، صد سال است که مردم آن کشور برای یک مرتبه هم پای صندوق انتخابات حاضر نشده‌اند. گرچه ما گاهی عیب‌هایی هم مثل اختلاس، رشوه، دروغ، و کلاهبرداری داریم. اما به طرف اصلاح و حاکم شدن احکام اسلام، داریم پیش می‌رویم. این استقلال و آزادی مهم است و باید قدردان آن باشیم.

مثال: توجه به اهمیت استقلال و آزادی را یک بچه‌ای که سر سفره است هم می‌فهمد. چون با اصرار می‌خواهد قاشق را از شما گرفته و خود غذا بخورد، گرچه غذا را بر سر و رو و لباس خود بریزد.

آیت‌الله شهید دکتر بهشتی (ره) می‌فرمود: گرچه جوانان ما بعد از انقلاب ناشی و کار نابلد هستند، اما در سایه روحیه انقلابی و استقلال، کم‌کم یاد می‌گیرند. ولی وابستگی به شرق و غرب ذلت و خواری را به دنبال دارد.

۲- حفظ دین و توجه به دستورات آن

قبل از انقلاب برای تأسیس یک مدرسه مذهبی و اسلامی، برای بازگو کردن معارف دین، در تهران، باید از وزارت آموزش و پرورش اجازه می‌گرفتند. در حالی که یهودی‌ها در این کشور آزاد بودند.

قبل از انقلاب برادرم در پادگان بدر آباد خرم آباد سرباز بود، من هم طلبه جوانی بودم. خواستم او را ببینم و برای او و دوستانش

حدیثی بخوانم، اجازه نمی‌دادند. آخر تصمیم گرفتیم مقداری کاهو خریده و به بهانه خوردن کاهو باهم، برای آن‌ها حدیثی می‌خواندم. براساس آموزه‌های دینی است که در کشور ما حدود هشتصد نماز جمعه بر پا می‌شود. کتاب‌های درسی قبل و بعد از انقلاب را مقایسه کنیم. در سایه توجه به معارف دین و قرآن بین گروه‌ها و طوایف مختلف کشور مثل ترک و کرد و عرب و کومله و دموکرات و... اتحاد و همبستگی برقرار شد و چه بسیار دشمنان، که می‌خواستند با ایجاد تفرقه، به مقاصد پلید و شوم خود برسند. قانون اساسی نویسان ما جمعیتی از باسوادترین و با تقواترین‌ها بودند.

در دفاع از دین، انقلاب و کشور، هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کردیم. شرّ منافقین به ظاهر مسلمان را دفع کردیم.

۳- توجه به ارزش‌ها

قرآن ملاک‌های ارزش را چنین بیان می‌فرماید:
الف: تقوا. «همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست.» (حجرات/۱۳)
ب: ایمان به خدا و قیامت. «مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند.» (توبه/۱۸)
ج: سابقه. «پیشگامانی (در خیرات هستند که در گرفتن پاداش نیز)، پیشگامند. آنان مقربان درگاه خداوند هستند.» (واقعه/۱۰ و ۱۱)

۴- تسلیم بودن در مقابل احکام اسلام

ما باید در مقابل همه احکام الهی اسلام تسلیم باشیم. چون از طرف خدای حکیم صادر شده است. مثلاً: می‌فرماید: گوشت خوک حرام است. ما چون مسلمان هستیم در هر صورت نمی‌خوریم. گرچه غربی‌ها یک روز بخورند و روز دیگر بگویند: چون کرم کدو و

ترشین تولید می‌کند و برای سلامتی انسان ضرر دارد نخورید و روز دیگر با دمای بالا آن انگل را از بین برده و می‌خورند. اما چون خدای حکیم دستور داده، ممکن است دلیل‌های دیگر هم داشته باشد که علم امروز بشر به آن نرسیده باشد.

۵- غلبه منطق اسلام بر دیگر مکاتب

در حدیث آمده است: «الاسلامُ يعلوُ و لا يُعلَى عَلَيْهِ» (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۳۴) یعنی؛ از نظر دین و استدلال و عقل، هیچ قدرت، گروه و انسانی نمی‌تواند بر ما را پیروز شود. منطق ما بسیار قوی و مستدل است. مثلاً سؤال می‌کنند:

سؤال: اگر یکی بگوید: خدایی که نمی‌بینی پس چرا به او ایمان می‌آوری؟

جواب: می‌گوئیم: تو هم جاذبه زمین را نمی‌بینی، اما به وجود آن ایمان داری و از اثرش پی به آن می‌بری. یعنی؛ از افتادن سیب به زمین، پی می‌بریم که زمین جاذبه دارد. بله! ما هم خدا را نمی‌بینیم. اما از دیدن آفریده‌های او پی به وجودش می‌بریم.

سؤال: با وجود داشتن عقل، چه نیازی به وحی و پیامبر و امام داریم؟

جواب: به دلیل اینکه ما ندامت و پشیمانی داریم معلوم می‌شود که عقل ما ناقص است. چون اگر عقل انسان کامل باشد، هیچ وقت در کارهایش پشیمان نمی‌شود. لذا نیاز به وحی و پیام‌آوران الهی داریم. پس عقل ما از طریق وحی، کامل می‌شود.

درس شانزدهم:

شناخت ظرفیت‌های انسان

۱- عمر، سلامتی و نشاط

ظرفیت‌های انسان خیلی زیاد است. ما باید به آن‌ها پی برده و به خوبی استفاده کنیم. مثال: اتوبوسی که به اندازه چهل مسافر ظرفیت دارد، ما یک مسافر سوار می‌کنیم.

سلامتی، نشاط و عمر انسان، سرمایه او می‌باشد.

مثلاً: هدف ما نباید تنها رسیدن به دیپلم و دانشگاه و کنکور باشد. اینها برای انسان، بسیار کم است. گاهی مشاهده می‌کنیم که یک نفر با تدبیر و ابتکار خود، منشأ خیرات زیادی می‌شود. جمعیت انبوهی از افراد نابینا را در استان اصفهان، جمع کرده و انواع مسائل لازم و مهارت‌های زندگی را به آن‌ها آموزش دادند. آری! انسان، ظرفیت‌های کشف نشده بسیاری دارد. گاهی یک نفر می‌تواند روی صدها و هزاران نفر دیگر اثر بگذارد. به سیل و زلزله زدگان و یتیمان و جنگ زدگان، کمک‌های زیادی می‌کنند. این همه استفاده و خیرات و برکات، زمانی است که انسان، توجه به استعداد و ظرفیت‌های خود و جامعه داشته باشد.

اینکه خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد و سامانت بخشید. و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد. و تو را تهی دست یافت و بی‌نیاز کرد». یعنی؛ تو این استعدادها و ظرفیت‌ها را داشتی، ما تو را کمک کردیم.

بر همین اساس است که در قرآن آمده است؛ ابراهیم، یک امت بود. امام خمینی(ره) هم در مورد شهید آیت‌الله دکتر بهشتی(ره) فرمود: بهشتی یک ملت بود.

۲- توجه به پاداش و جبران خداوند.

ما باید در زندگی به این مسئله توجه داشته باشیم که اگر برای رضای خدا از گناه و خلاف چشم‌پوشی کردیم، خداوند جبران کرده و درب‌هایی از حلال به روی ما باز می‌شود.

خاطره‌ای از یک تاجر مشهدی

در زمان جنگ، یک جراح ایرانی مقیم آمریکا، به ایران آمد تا به مجروحین جنگی کمک کند. اما نیاز داشت به یک دستگاہی که هم باید از خارج وارد کنند و هزینه زیادی هم داشت. یک خیر مشهدی هزینه آن را قبول کرد و حتی حاضر نشد که نام او را در این جریان مطرح کنند. تا زمانی که فرزند این تاجر تصادف سختی کرد و تنها فردی که می‌توانست او را جراحی کند همان دکتر مهاجر از آمریکا و با کمک همان دستگاہی که آن تاجر و خیر با هزینه خود برای مجروحین وارد کرده بود، سلامتی کامل فرزندش تأمین شد. این نمونه‌ای از جبران الهی در کارهای انسان است. بر همین اساس شاعر گفته:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز
که ایزد در بیابانت دهد باز
حدیث داریم که خداوند می‌فرماید: اگر شما یک وجب به سمت
من بیابید، من یک گام به سمت شما می‌آیم.

اگر یک کار خیر انجام دهیم، خداوند مهربان، ده برابر، صد برابر، هفتصد برابر، هزاران برابر و گاهی هم بیشمار به انسان پاداش می‌دهد.

۳- توجه به وظائف اصلی و واجب

مثلاً: اگر در سرمایه ما حقوق واجب مثل خمس و زکات است حق نداریم از آن‌ها برای امور مستحب استفاده کنیم.

مثلاً: از شرایط صحیح بودن نماز، وضو، روبه قبله بودن و پاک بودن لباس است. اما انسان بدون وضو و پشت به قبله و با لباس و

بدن نجس نماز بخواند، این نماز به درگاه خداوند قبول نمی‌شود. حال! هرچه هم مستحبات را در این نماز، بجا آورده و اضافه کنیم. پس، اول باید به واجبات توجه کرد.

یا می‌فرماید: نمازگزار باید لقمه‌اش حلال باشد تا آن عبادت، مورد قبول پروردگار واقع شود. حال! کسی که لقمه‌اش حرام است، اما قرائت نمازش را با تجوید و صوتِ عالی هم بخواند. این عبادت پرواز به سوی خداوند نمی‌کند. مثل هواپیمایی که گازوئیل به جای بنزین سوپر و مخصوص ریخته، این هواپیما هرچند زیبا و شرائط دیگر آماده باشد، پرواز نخواهد کرد.

۴- پرهیز از هدر دادن سرمایه و ظرفیت‌ها

افرادی، جوانی، نشاط، امکانات، کامپیوتر، فضای مجازی دارند، اما متوجه نیستند که چگونه به خوبی، در راه رضای خدا و برای رشد و پیشرفت خود از آن‌ها استفاده کنند. هر کاری و موفقیتی راه و رمزی دارد. مثل نقش کلید و قفل، از یک طرف باز و با چرخاندن به طرف دیگر قفل می‌کند. و هر کلیدی، هر قفلی را باز نمی‌کند. مثل امروزه، که اگر در کنار دانش‌آموزی، مهارت و فن آموزشی نباشد. افراد، فردا و برای زندگی در این جامعه فلج خواهند بود. امروز هم می‌بینیم که؛ لیسانس بیکار، زیاد است چون مهارت ندارد. ظرفیت دارد استفاده نمی‌کند.

نمونه دیگر از هدر دادن ظرفیت‌ها این است که عده‌ای گاهی ساعت‌ها تماشای ورزش می‌کنند. اما خود تحرّکی ندارند. مثل کسی که در محیط بانک نشسته و شمارش پول‌های بانک را نظاره کند. این لغو و بیهوده کاری و از دادن ظرفیت و وقت و سرمایه عمر است.

۵- توجه به ایده و نقشه‌های دشمنان

جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که کشور ما به ناحق سال‌ها گرفتار جنگ تحمیلی بود و قدرت‌های بزرگ و صاحبان اسلحه‌های زیاد و مدرن، از شرق و غرب، حاضر نشدند به ما کمک کنند. بلکه به عکس به دشمن و نقطه مقابل ما کمک کردند. حال! با اینهمه ظرفیتی که ما و کشور ما دارد، جای تأسف و بعداً پشیمانی است که این سرمایه‌ها و فرصت‌ها را به راحتی از دست بدهیم. این در حالی است که دشمنان ما حاضرند در راه بی‌هویت کردن ما به خصوص نسل جوان ما، بی‌حساب و مجانی خرج و هزینه کنند.

قرآن هم می‌فرماید:

«اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان شادمان می‌شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیزکار باشید، حیل‌های بدخواهانه‌ی آنان هیچ‌گونه آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد.»

(آل عمران/۱۲۰)

درس هفدهم:

شیوه‌ها و نیازهای تربیت صحیح (۱)

۱- استمداد از خدا

استمداد از خدا، شرط اول تربیت دینی است. زمانی که ما اعتقاد داریم و می‌گوئیم: «الحمد لله رب العالمین». سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که مربی و پروردگار جهانیان است. پس مربی اصلی خداست و باید ما هم در پرتو نور و هدایت او، تربیت کنیم. و در غیر این صورت، کارهای ما ضد تربیت خواهد شد.

مثال: آمپول، اگر زیر نظر پزشک نباشد و جابجا زده شود، اثر نکرده، بلکه اثر منفی خواهد داشت. لذا اعمال سلیقه و نظر شخصی در تربیت الهی نه تنها اثر مثبتی ندارد، بلکه اثرات منفی هم خواهد داشت.

۲- نقش لقمه حلال

نقش منفی لقمه حرام آنقدر در سیر تربیت انسان مؤثر است که اگر در جهت اصلاح و رفع اثرات منفی آن، تمام روانشناسان و اساتید اخلاق، زحمت بکشند، باز آن لقمه حرام، انسان را به فساد هل می‌دهد.

مثال: امام حسین علیه السلام روز عاشورا هرچه موعظه و نصیحت به دشمنانش کرد، اثری نگذاشت. آخر فرمود: لقمه حرام شما را به اینجا رسانده است.

اگر پدر، با لقمه حرام فرزندش را بزرگ کرد، هرچه هم مربیان و گروه‌هایی مثل انجمن اولیاء و مربیان زحمت بکشند، مؤثر واقع نمی‌شود.

در حدیث می‌خوانیم: لقمه حرام در نسل انسان هم اثر دارد. (کافی، ج ۵، ص ۱۲۵).

در داستان اصحاب کهف می‌خوانیم: زمانی که از خواب طولانی بیدار شدند، یکی از آن‌ها گفت: «پس یکی از خودتان را با این پولتان به شهر بفرستید تا ببیند کدام يك غذای پاکیزه‌تری (حلالی) دارد.» (کهف/۱۹)

در جای دیگر قرآن هم آمده است: لقمه حرام، انسان را به کفر می‌کشاند. (مطففین/ ۱۰ تا ۱۱)

کم‌فروشی با ترازو، کم‌کاری در کار، رشوه‌ای که گاهی برای توجیه، اسمش را هدیه و شیرینی می‌گذارند، ربا و امثال این‌ها از مصادیق لقمه حرام است.

۳- تکیه بر منابع دینی و اطلاعات صحیح

گاهی ممکن است به اشتباه و یا از غفلت و یا توجه به ظاهر یک چیزی و یا مطلب و روشی، فکر کنیم صحیح و در جهت تربیت است و حال آنکه در واقع و با کمی توجه و تحقیق و بررسی و نظر کارشناسی دینی، بفهمیم که این چنین نیست.

در تعبیراتی از روایات هم داریم که مثلاً: «لَيْسَ الْبِرُّ ... وَ لَكِنَّ الْبِرَّ»، نیکی این نیست (که فکر می‌کنید)، بلکه آن است. «لیست الشجاعة...» شجاعت این نیست که... بلکه شجاعت آن است. یا «لیس الزهد... بل الزهد...» زهد این نیست... بلکه آن است.

بر این اساس والدین و مربیان و مسئولین محترم امور دینی، پرورشی و تربیتی، باید اطلاعات کافی و به روز و به منابع مطمئن مجهز باشند.

۴- داشتن محبوبیت

اگر می‌خواهیم تربیت کنیم باید متریبان، ما را دوست داشته باشند. آری! حرف کسی که انسان او را دوست نمی‌دارد، در دلش

جای نمی‌گیرد و زمینه عمل به آن فراهم نمی‌شود.
مثال: در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دوران ثبات حکومت اسلامی و دفع توطئه‌های دشمنان، مثل جنگ تحمیلی و دادن آن همه شهید، اسیر و مجروح و معلول، اگر امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر محبوب مطرح نبود و مردم به او و آرمان‌های الهی عشق نمی‌ورزیدند، یقیناً چنین موفقیتی در کار نبود.
البته! خداوند در قرآن می‌فرماید: اینگونه محبت‌ها از جانب من است، «مَحَبَّةٌ مِّنِّي» (طه/۳۹). باید کاری کنیم خدا مهر ما را بر دل‌ها بنشاند. همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از ساختن کعبه از خداوند می‌خواهد: «پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان.» (ابراهیم/۳۷)

خداوند راه پیدا کردن محبوبیت را هم بیان فرموده است: «همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی (در دل‌ها) قرار می‌دهد.» (مریم/۹۶)

۵- عامل بودن

مثلاً: زمانی که می‌خواهم به یکی نصیحت کنم که: سیگار مصرف نکند. نباید خودم مصرف کننده سیگار باشم. البته اگر فردی سیگاری است و به مضرّات آن واقف است باید دیگران را نهی از منکر کند. اما اگر خود، عامل باشد اثرش بیشتر است. لذا قرآن می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار مورد غضب است که چیزی را بگوئید که عمل نمی‌کنید.» (صف/۳۰۲)

و در آیه دیگر چنین می‌فرماید: «آیا مردم را به نیکی دعوت کرده و خودتان را فراموش می‌نمایید؟» (بقره/۴۴)

۶- بیان نمونه‌ها

بیان نمونه‌های موفق، یکی از روش‌های موفق در تربیت است. خداوند خطاب به کسانی که در جبهه حق، مشکلاتی داشتند، می‌فرماید: «و در تعقیب دشمن سستی نکنید، اگر شما رنج می‌کشید، همانا آنان نیز همان گونه که شما رنج می‌برید رنج می‌برند، در حالی که شما چیزی (امدادهای غیبی و بهشت) از خداوند امید دارید که آنان امید ندارند.» (نساء/۱۰۴)

ده‌ها نمونه از داستان‌های تاریخی در قرآن، از افراد و اقوام و قبیله‌ها در جهت تربیت انسان‌ها است. پیامبر عزیز اسلام ﷺ با توجه به جنبه‌های تربیتی این داستان‌های واقعی از تاریخ مثل سلمان و ابوذر را تربیت فرمودند.

یک آدم بی‌سواد و تربیت نشده پرتقال فروش، در نهایت، پرتقال‌های بد را زیر و پرتقال‌های خوب را روی جعبه می‌گذارد. اما یک باسواد تربیت نشده، خلبان می‌شود و مردم مظلوم و بی‌پناه یمن را بمباران می‌کند. این جایگاه و اهمیت تربیت، در زندگی انسان است.

درس هیجدهم:

شیوه‌ها و نیازهای تربیت صحیح (۲)

۱- کمک گرفتن از دیگران

گاهی ممکن است حرف من روی فردی اثر نکند. اما مثلاً اگر استاد ریاضی، دختر عمو، همکلاسی، امام‌جماعت، و یا پسردایی‌اش بگوید اثر می‌کند، از او کمک بگیریم. قرآن می‌فرماید:

«زمانی خداوند به حضرت موسی گفت: به نزد فرعون برو و او را به راه حق دعوت کن. عرض کرد: (و از خاندانم (یاور و) وزیرى برايم قرار بده. برادرم هارون را. (و اینگونه) پشت مرا با او استوار ساز. و او را در کارم شريك گردان.» (طه/۳۰ تا ۳۲)

۲- گوش شنوا و پند پذیری

پذیرش و قبول و تحویل گرفتن حرف حق و صحیح دیگران در تربیت، اثر مثبت دارد.

خاطره شهید علامه مطهری (ره)

زمانی در سخنرانی خود معنای زهد را تعریف کرده و توضیح می‌داد، جناب آقای پرورش (ره) که در آن زمان جوان و فرهنگی بود. اجازه خواست که او هم یک تعریفی از زهد داشته باشد. وقتی بیان کرد. ایشان فرمود: بیان این جوان، خوب بیانی است.

خاطره‌ای از کلاس‌داری در اهواز

قبل از انقلاب من یک دوماهی اهواز کلاس داشتم. در بحث معاد، یک روز روی تخته سیاه نوشتم: چرا خدا ما را در دنیا عذاب نمی‌کند؟ از جوانان و حاضران در کلاس هم خواستم که اگر در رابطه با این سؤال، به غیر از جواب‌هایی که من دارم چیزی به

ذهنش می‌رسد، بگوید. یکی جواب خوبی در پاسخ به این سؤال داد. من قبول کرده و او را تشویق کردم و آن را در ادامه جواب‌های خود یادداشت کردم. بعداً یک دبیری به من گفت: آن روزی که مطلب آن جوان را پذیرفته و یادداشت کردی اثر تربیتی زیادی داشت. قرآن می‌فرماید: «برخی از منافقان، پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او سراپا گوش است. (و به سخن هر کس گوش می‌دهد). بگو: گوش دادن او به نفع شماست.» (توبه/۶۱)

۳- ساده و روان گویی

قرآن می‌فرماید: «و همانا ما قرآن را برای تذکر (و پند پذیری)، آسان ساختیم، پس آیا پند پذیری هست؟» (قمر/۱۷). اما ما گاهی در سخن گفتن، دچار خودباختگی نسبت به کارگیری الفاظ و جملات می‌شویم. و به اشتباه و غلط، فکر می‌کنیم اگر از واژه و اصطلاحات پیچیده و نامفهوم، استفاده کنیم سخن و بحث ما علمی می‌شود. و به عکس اگر مطالب علمی، مشکل و مهم را به زبان ساده و روان و قابل فهم مردم بگوئیم، بی‌سواد معرفی و وانمود خواهیم شد. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر جامعه مسلمین، در حسینیه جماران سخن می‌گفت، نوجوانان ده ساله هم به خوبی می‌فهمیدند. اساتید دانشگاه، بازاربان، شهری و روستایی، و رئیس جمهورهای دنیا هم می‌فهمیدند. آقا چرا می‌گویی: در روند تکاملی تاریخ... بگو همینطور که پیش می‌رویم.

طنز و خاطره :

گویند: دانشمندی در جلسه‌ای سیگار می‌کشید. فرد نابینایی به او اعتراض کرد. او در جواب گفت: چون من از بس که در هستی شناسی و رابطه بین عالم لاهوت و ناسوت و جبروت و این‌ها فکر می‌کنم، به مغزم فشار می‌آید و سیگار می‌کشم. نابینا هم در جوابش

گفت: پس لابد حضرت علی علیه السلام باید چیزی بالاتر استفاده کند!

سؤال: یکی پرسید، ولایت مطلقه یعنی چه؟

جواب: گفتم: یعنی هرچه دکتر گفت، باید همه‌اش را انجام بدهیم.

۴- دقت در پاسخگویی

بعضی از سؤالات را اگر جواب بدهیم، فتنه‌انگیزی می‌شود و فساد به بار می‌آورد. در قرآن آمده است:

فرعون از حضرت موسی علیه السلام سؤال کرد که نیاکان من کجا هستند؟ حال! اگر حضرت موسی علیه السلام می‌گفت: در دوزخ هستید، فرعون غضبناک و فتنه می‌شد. اما آن حضرت علیه السلام با ظرافت در جواب او فرمود: «قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي» (طه/۵۲)، گفت: خدا می‌داند.

۵- استفاده از تکرار

در امور تربیت و در جهت اثرگذاری، خسته نشویم. نگوئیم: چند بار گفتم اثر نکرد. خداوند گاهی در یک سوره بارها یک آیه را تکرار می‌فرماید. به یقین این اثر تربیتی دارد. از چوب شکن بیاموزیم که آنقدر با تبر می‌زند تا چوب بشکند.

۶- استقامت و پایداری

خداوند در رابطه با توصیه و سفارش خانواده برای اقامه نماز، می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...»، «خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش.» (طه/۱۳۲)

در اذان و دعوت برای نماز، شبانه‌روز، ده‌ها بار می‌گوئیم: «حی علی الصلاة»، «حی علی الفلاح»، «حی علی خیر العمل» بشتاب، بشتاب، بشتاب، یعنی؛ بر این مهم پایدار و مقاوم باش.

«والحمد لله رب العالمین»

فرهنگیان گرامی، اولیاء محترم، دانش آموزان عزیز

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ» (ابراهیم/۴): «ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم». و امروز فضای مجازی، زبان نسل جوان است و بسیاری از اطلاعات خود را از این فضا کسب می‌کنند...

از آنجایی که برنامه درسهایی از قرآن، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی به عنوان مشهورترین برنامه دینی و مذهبی حدود سی و هشت سال است که از رسانه ملی پخش می‌شود، لذا برای دسترسی آسان و جهت دهی درست مخاطبان سایت‌هایی که از سوی مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن و مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی راه‌اندازی شده و حاوی اخبار و اطلاعات و تصاویر، ساعت پخش برنامه، تصویرنوشته‌های موضوعی و مناسبی، صوت و فیلم تفسیر، نکته‌های ناب، خنده حلال و... ایشان می‌باشد جهت استفاده عموم و علاقمندان به شرح ذیل می‌باشد.

دانش آموز عزیز؛

از حضور مستمر و فعال شما هم در مسابقه هفتگی تلویزیونی درسهایی از قرآن تشکر نموده و راه‌یابی شما را به آزمون نهایی کشوری گرامی می‌داریم. مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی با هماهنگی و همکاری دلسوزانه مسئولین محترم وزارت آموزش و پرورش، مدیران و مربیان متعهد مدارس بیش از دو دهه متولی برگزاری مسابقه هفتگی درسهایی از قرآن است که هر ساله بیش از ۱۰۰ هزار نفر به مرحله آزمون نهایی راه می‌یابند. شما می‌توانید با مراجعه به سایت‌های زیر اطلاعات بیشتری درباره مفاهیم قرآنی و صدها نکته مفید و خواندنی را مطالعه نمایید و با ایمیل و شماره تماس مؤسسه، با ما در ارتباط باشید. برای دانش آموزانی که به مرحله کشوری راه پیدا می‌کنند، برنامه‌های قرآنی متنوعی با هدایای ارزنده برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شده است.

*** شما دانش آموزان عزیز می توانید اسامی برگزیدگان
آزمون نهایی کشوری را در کانال « اُنس با قرآن » به آدرس
زیر مشاهده کنید.**

[@tarheonsebaquran](https://www.instagram.com/tarheonsebaquran)

❖ آدرس فضاهای مجازی مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی (برگزار کننده
مسابقات درسهایی از قرآن)

سایت‌های مؤسسه ترویج فرهنگ قرآنی:

<http://www.tarvijequran.ir>

[@tarheonsebaquran](https://www.instagram.com/tarheonsebaquran)

آدرس کانال «اُنس با قرآن»:

info@tarvijequran.ir

پست الکترونیکی مؤسسه:

۰۲۱ - ۶۶۹۵۵۵۱۵ - ۱۷

شماره‌های تماس:

۳۰۰۰۱۱۴

شماره سامانه شرکت در مسابقه هفتگی پیامکی:

پایگاه اینترنتی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی: <http://www.gharaati.ir>

۰۲۱ - ۶۶۹۴۶۳۶۳

شماره تلفن مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن:

